



## تحول استراتژی دفاعی و سیاست امنیتی ژاپن (۲۰۲۱-۲۰۲۳)

فاطمه محروق، محمد کرمپوری<sup>۲</sup>

### چکیده

بروز تحولات بنیادین در ژئوپلیتیک شرق آسیا به همراه تغییر در معادلات قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی، ژاپن را وادار به بازنگری در تعهد خود به صلح‌طلبی مدون در قانون اساسی کرده است. در این چارچوب، تحول در راهبرد امنیتی و دفاعی این کشور در دوره فومو کیشیدا (معروف به دکترین کیشیدا) نسبت به دوره شنینرو آبه، محسوس‌تر شده است. پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که «چه مؤلفه‌هایی بر تحول راهبرد امنیتی و دفاعی ژاپن در دوران کیشیدا و ارائه دکترین وی تأثیرگذار بوده است؟» استدلال اصلی مقاله این است که «تحول در راهبرد دفاعی-امنیتی ژاپن، پاسخی به تغییرات ساختاری بین‌المللی و منطقه‌ای ناشی از ظهور چین به‌عنوان بازیگر چالشگر نظام و نااطمینانی از تعهدات ایالات متحده در حمایت همه‌جانبه از آن در صورت بروز جنگ و تنش‌های حاد ژئوپلیتیکی است». یافته‌های پژوهش با تکیه بر نظریه نواقح‌گرایی نشان می‌دهد که پویایی‌های ساختاری بین‌المللی و منطقه‌ای برآمده از تلافی‌گذار جهانی و منطقه‌ای میان چین و آمریکا، افزایش فشار آمریکا بر ژاپن به‌منظور افزایش نقش امنیتی و دفاعی گسترده‌تر، افزایش رقابت تسلیحاتی در شرق آسیا، دلالت‌های بین‌المللی ناشی از حمله روسیه به اوکراین و افزایش تحرکات نظامی روسیه در شمال ژاپن در کنار عوامل پایدار افزایش تهدیدهای هسته‌ای و موشکی کره شمالی بر تحول راهبرد دفاعی و امنیتی ژاپن تأثیرگذار بوده‌اند. براین اساس، دکترین کیشیدا با تأکید بر ضرورت ایفای نقش پویاتر در سیاست جهانی و منطقه‌ای و افزایش توانمندی‌های دفاعی نظامی، حاکی از چرخش ژاپن از راهبرد پیشین مصون‌سازی به سوی رفتار توازن قوای فعال است.

**کلیدواژه‌ها:** واقع‌گرایی تهاجمی، ژاپن، آمریکا، چین، دکترین کیشیدا

۱. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) [fmahroogh@um.ac.ir](mailto:fmahroogh@um.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران [mohammadkaram007@gmail.com](mailto:mohammadkaram007@gmail.com)



# The Evolution of Japan's Defense Strategy and Security Policy (2021-2023)

Fatemeh Mahrough<sup>۱</sup>, Mohammad karampouri<sup>۲</sup>

## Abstract

The fundamental developments in the geopolitics of East Asia, along with the change in regional and international power equations, have forced Japan to reconsider its commitment to pacifism enshrined in the constitution. In this framework, the evolution of Japan's security and defense strategy after Fumio Kishida (known as the Kishida Doctrine) became prime minister has become more noticeable than Shinzo Abe's prime ministership. The current research tries to answer the question of what components have influenced the evolution of Japan's security and defense strategy during the Kishida era and the presentation of his doctrine. The main argument of the article is that the transformation in Japan's defense-security strategy is a response to the international and regional structural changes caused by the emergence of China as a system-challenging actor and the uncertainty of the commitments of the United States in its all-round support in the event of the occurrence of war and acute geopolitical tensions. Based on the theory of neo-realism, the findings of the research show the international and regional structural dynamics resulting from the global and regional intersection between China and the United States, the increasing pressure of the United States on Japan in order to increase the broader security and defense role, the increase in the arms race in East Asia, the international implications of Russia's attack on Ukraine, and the increase in Russian military movements in northern Japan, along with the stable factors of the increase in North Korea's nuclear and missile threats, have influenced the evolution of Japan's defense and security strategy. Therefore, Kishida's doctrine, emphasizing the necessity of playing a more dynamic role in global and regional politics and increasing the capabilities of defense-military capabilities, indicates Japan's turn from the previous defense strategy to the behavior of balancing active forces.

**Keywords:** Aggressive realism, Japan, America, China, Russia, Kishida.

---

<sup>۱</sup> Assistant Professor of International Relations, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

<sup>۲</sup> Ph. D student of political science, Ferdowsi University of Mashhad, Iran



از زمان جنگ جهانی دوم، ژاپن تمرکز کمی بر مسائل امنیتی و نظامی داشته و بیشتر بر آمریکا و پایگاه‌های نظامی‌اش در ژاپن برای دفاع از خود تکیه کرده است. در پی تحولات پس از جنگ سرد، رهبران ژاپن در چارچوب نظم لیبرالی قانون‌محور به رهبری آمریکا در سطح بین‌الملل و تداوم راهبرد یوشیدا<sup>۱</sup> در داخل، راهبرد بین‌المللی خود را در قالب دیپلماسی صلح و در امتداد عملیات حفظ صلح سازمان ملل، از اقیانوس آرام به سطح جهانی گسترش دادند. از همین رو، ژاپن با درک قدرت عظیم اقتصادی و مالی، در صدد برآمد با استفاده از این عوامل به‌عنوان یک قدرت بزرگ سیاسی در صحنه بین‌المللی ظاهر شود (معین، ۱۳۸۲، ۳۸۶). این کشور با بهره‌مندی از یک نظام باز اقتصادی بین‌المللی با قابلیت‌های فناورانه فراوان و برخوردار از سرمایه انسانی با تحصیلات عالی و استانداردهای بالای فرهنگی توانسته است به سطح بالایی از توسعه دست یابد. همچنین، ژاپن، با در اختیار داشتن یکی از پیشرفته‌ترین ارتش‌های آسیا به‌لحاظ فناوری، تلاش می‌کند از قدرت سخت خود به‌عنوان ابزار سیاست ملی استفاده کند. درحالی‌که در داخل، ترس و وحشت ناشی از جنگ جهانی دوم همچنان گریبانگیر سیاست‌گذاران توکیو است، چین و کره جنوبی در سطح منطقه در برابر جاه‌طلبی‌های نظامی احتمالی ژاپن محتاط هستند.

با این حال، محیط امنیتی جهانی به‌دلیل تلاقی گذار جهانی و منطقه‌ای ناشی از رقابت‌های راهبردی چین و آمریکا، روزه به روزه چالش‌برانگیزتر و پیچیده‌تر می‌شود و دلالت‌های آن بر محیط ژئوپلیتیک شرق آسیا، ژاپن را به بازنگری در تعهد خود به صلح‌طلبی حاکم بر دوره اشغال آمریکا به منظور مقابله با تهدیدهای موجود و آینده، واداشته است. اگرچه توکیو به‌گونه‌ای پیوسته نقش دفاعی بین‌المللی و هزینه‌های نظامی خود را در دهه گذشته افزایش داده است، اما اکنون با پیچیده شدن فزاینده وضعیت در شرق آسیا، به‌شدت به چنین بازنگری‌ای در سیاست امنیتی خود احساس نیاز کرده است. در سال ۲۰۲۲، راهبرد امنیتی ژاپن، بار دیگر به‌سوی رویکردی جامع اما با تأکید بیشتر بر توانایی نظامی بالا، قدرت اقتصادی و نوآوری‌های فناورانه رفته است. افراد و گروه‌های تجدیدنظرطلب درون حزب لیبرال‌دموکرات، مدت‌هاست در پی تغییر ماده ۹ قانون اساسی هستند و استدلال می‌کنند که کشور به انعطاف‌پذیری بیشتری برای دفاع از خود در برابر تهدیدات منطقه‌ای نیاز دارد. طی سال‌ها این برداشت وجود داشت که ژاپن برای محافظت از خود در

<sup>۱</sup> Shigeru Yoshida



برابر پیونگ‌یانگ هسته‌ای، نیاز به تجدیدنظر در این قانون دارد؛ اما در سال‌های اخیر، این کشور شاهد خطر بزرگ‌تری به نام چین بوده که به شدت دست به تقویت و نوسازی توانمندی نظامی خود زده و نفوذش را در منطقه افزایش داده است. پس از جنگ روسیه و اوکراین، رهبران سیاسی توکیو اعتماد به پایداری ضمانت‌های امنیتی ایالات متحده را از دست داده‌اند و با نوعی ترس از رهاشدگی توسط امریکا، از ضرورت آماده‌سازی ارتش خود برای شرایط احتمالی جنگ، سخن می‌گویند. براین اساس، راهبرد امنیت ملی جدید دولت کیشیدا، نمایانگر نقطه عطفی است که تحولی بنیادین در وضعیت دفاعی ژاپن ایجاد می‌کند. براساس سیاست‌ها و اصلاحات قانونی‌ای که آبه انجام داده است، این تغییرات تا چند سال پیش غیرقابل تصور بود. در این راستا، مهم‌ترین پرسش‌های پیش روی نویسندگان پژوهش حاضر این است که «آیا این تحولات، بیانگر احتمال تغییر بنیادین در راهبرد بین‌المللی ژاپن یا تغییری اساسی در واکنش به ظهور چین است یا می‌توان همچنان تداوم دیدگاه‌ها و راهبردهای سنتی جنگ سرد ژاپن را مشاهده کرد؟» «چنین تغییری (در صورت بروز)، چه پیامدهای بلندمدتی بر روابط امنیتی چین و ژاپن از یک سو و تلاش‌های انجام‌شده به رهبری ایالات متحده برای موازنه بخشی دوباره نظم امنیتی منطقه‌ای شرق آسیا از سوی دیگر، خواهد داشت؟» پژوهش حاضر با تمرکز بر دوره فوميو کیشیدا و اینکه تحول در راهبرد امنیتی و دفاعی ژاپن در این دوره نسبت به دوره شینزو آبه، محسوس تر شده و با عنوان «دکترین کیشیدا» تعریف می‌شود، در پی پاسخ به این پرسش است که «چه مؤلفه‌هایی بر تحول راهبرد امنیتی و دفاعی ژاپن در دوران کیشیدا و ارائه دکترین وی تأثیرگذار بوده است؟» مقاله حاضر، براساس رویکرد نواقعی‌گرایی با نگاهی به واقع‌گرایی تهاجمی، اما در چارچوب واقعیت‌های ناشی از پیچیدگی نظام بین‌الملل، به تحلیل نظری و تجربی راهبرد دفاعی امنیتی ژاپن پرداخته است.

#### ۱. پیشینه پژوهش

هنگامی که به ادبیات پژوهشی در بررسی رویکردهای دفاعی امنیتی و چگونگی واکنش ژاپن به تحولات ساختاری بین‌المللی و منطقه‌ای (از جمله ظهور چین)، مراجعه می‌کنیم، می‌توانیم دریابیم که تعداد زیادی از تحلیلگران و نظریه‌پردازان، چنین واکنش و اقداماتی از سوی ژاپن را محدود تلقی می‌کنند یا قائل به تغییر بنیادین در راهبرد بین‌المللی و امنیتی ژاپن نیستند. از این دیدگاه، اگرچه سنت دیپلماتیک و دفاعی ژاپن در

۱ Fumio Kishida

۲ Shinzo Abe



منطقه آسیا پاسیفیک به‌روز شده است، اما همچنان دیدگاه و راهبردهای خود را از زمان جنگ سرد حفظ کرده است و در چارچوب نظم مبتنی بر قوانین عمل می‌کند ( Tamaki, 2020; Friman, Katzenstein, ) (Leheny & Okawara, 2008)؛ به‌عنوان مثال، پرنسدر/ جین (۲۰۲۲) از «بنیاد پژوهشی محقق»، در گزارش خود در سال ۲۰۲۲ درباره سیاست دفاعی و امنیتی ژاپن، با وجود تغییرات، این سیاست‌ها را صلح‌طلبانه و محدود توصیف کرده است و افزایش بودجه دفاعی ژاپن تا سال ۲۰۲۷ را امری بعید می‌داند.

از سوی دیگر، برخی از تحلیلگران در چارچوب دیدگاه نواقح گرای، رفتار دولت ژاپن در واکنش به تحولات سیستمی از جمله رشد چین را به دلیل عدم پیگیری رویکرد موازنه یا همنوایی با آن، نوعی ناهنجاری ساختاری توصیف کرده‌اند که پیش‌بینی‌های معمول این نظریه را به چالش می‌کشد که سبب به‌حاشیه رفتن تحلیل نواقح‌گرایانه قانع‌کننده شده است و فضا را برای دیدگاه‌های لیبرالیسم و سازه‌نگارانه با اولویت هنجارها و اصول ریشه‌دار داخلی ضدنظامی باز کرده است. با این حال، تحلیل‌های بدیل و بیشتر مبتنی بر واقع‌گرایی در سال‌های اخیر، با تمرکز بر ضرورت توجه به نشانه‌های اراده و توانایی ژاپن برای تغییر بنیادین در راهبرد امنیت ملی و دفاعی‌اش (اگرچه با گام‌هایی محدود و تدریجی)، در پاسخ به تحولات ساختاری بین‌المللی نوشته شده‌اند (Hughes, 2012, 2016, 2022; Fraioli, 2023; Kallender & Hughes, 2019; Smith, 2018). همچنین، می‌توان به مقاله تسائو واتانابه (Watanabe, 2022) با عنوان «تکامل سیاست امنیتی ژاپن: تعامل بین پیشنهادهای اتاق فکر و اجرای دولت»، تعامل بین توصیه‌های سیاستی اتاق‌های فکر (مانند کمیسیون‌های دفاعی و امنیتی) و تحقق آن‌ها توسط دولت، از سال ۱۹۹۵ تا به امروز، را بررسی کرده و نشان داده است که کابینه آبه، بسیاری از سیاست‌های بلندپروازانه پیشنهادشده در اتاق‌های فکر، از جمله اجازه استفاده از حق دفاع دسته‌جمعی، ایجاد شورای امنیت ملی، و ایجاد راهبرد امنیت ملی را اجرا کرده است و همچنین، پیشنهادهای اتاق فکر به کیشیدا درباره تحول در سیاست امنیتی ژاپن نیز بررسی شده است.

در میان پژوهش‌های انجام‌شده در این باره به زبان فارسی نیز زینب فرهادی (۱۳۹۸)، در کتاب خود با عنوان «تحول در راهبرد دفاعی-امنیتی ژاپن؛ زمینه‌ها و پیامدها (۲۰۱۸-۲۰۰۱)» ضمن بررسی سیاست خارجی جدید ژاپن تلاش کرده است به چرایی ورود این کشور به دوره جدید در حوزه سیاست خارجی پاسخ دهد.

قاسم محبعلی (۱۳۸۸)، نیز اگرچه در مقاله خود با عنوان «تحول در راهبرد امنیت ملی ژاپن»، سیاست خارجی ژاپن را پس از جنگ سرد بر پایه ضرورت‌های داخلی و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی کرده است، اما تحولات اخیر در راهبرد امنیتی-دفاعی ژاپن و ضرورت‌های تفسیر و تعدیل ماده ۹ قانون اساسی این کشور را دربر نمی‌گیرد؛ بنابراین، پویایی‌های امنیتی در حال تغییر در داخل و محیط پیرامون ژاپن، فضا را برای تحلیل نواقع گرایانه راهبرد دفاعی-امنیتی این کشور، به‌ویژه در دوره کیشیدا، آماده کرده است که عمدتاً در ادبیات پژوهشی موجود، مغفول مانده یا ناچیز بوده است.

## ۲. چارچوب نظری پژوهش

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، بسیاری از نظریه‌های روابط بین‌الملل که در حال حاضر برای توضیح راهبرد بین‌المللی و دفاعی-امنیتی ژاپن به کار می‌روند، برجسته‌ترین راهبرد این کشور را موازنه قدرت محدود یا مصون‌سازی<sup>۱</sup> برای پرهیز از موازنه سخت قدرت توصیف می‌کنند.

نظریه‌های نواقع‌گرایی و نهاد‌گرایی لیبرال، مسیرهایی را نشان می‌دهند که در آن دولت‌های ثانوی یا قدرت‌های درجه دوم، همانند ژاپن، ممکن است در پاسخ به تغییر در توزیع توانمندی‌ها و ساختار نظام بین‌المللی در وضعیت گذار قدرت سیستمی و ظهور و سقوط هژمون دنبال کنند و اینکه چگونه ممکن است بازنگری در راهبردهای عمده را تسریع کنند. واقع‌گرایی تهاجمی، وضعیت پیش‌فرضی را بررسی می‌کند که در آن دولت‌ها در برابر توازن قدرت، بسیار حساس بوده و همواره به دنبال فرصتی برای افزایش قدرت خود یا تضعیف رقبای خواهند بود. در این راستا، دولت‌ها با تغییر در توزیع توانمندی‌ها و تحولات سیستمی، دست به موازنه سخت قدرت برای بازگرداندن تعادل می‌زنند و اگر امکان‌پذیر نباشد، به همنوایی با قدرت هژمون یا قدرت نوظهور سیستمی روی می‌آورند (Mearsheimer, 2009, 349). در واقع‌گرایی تهاجمی، شرط اصلی برای تسریع موازنه قدرت، فرض کمیابی امنیت و نگرانی از حرکت دولت‌ها به سوی افزایش توانمندی‌ها بر اساس قدرت نسبی است. آن‌ها بر این نظرند که در سیاست جهان به ندرت می‌توان قدرت‌هایی را یافت که از وضعیت موجود حمایت کنند؛ زیرا، این نظام انگیزه‌هایی قوی برای دولت‌ها ایجاد می‌کند تا در پی فرصت‌هایی برای کسب قدرت به قیمت رقبای خود و استفاده از آن موقعیت‌ها باشند. زمانی که منافع بیشتر از هزینه‌ها باشد، هدف غایی یک دولت، دستیابی به هژمونی در نظام است (Revista del Instituto Español, 2019, 49-50). در نتیجه، دولت‌ها برای غلبه بر چنین چالش‌هایی در



<sup>۱</sup> Hedging Strategy



پی موازنه سخت قدرت، هم در داخل از طریق ایجاد قابلیت‌های نظامی ملی و اتکا به خود و هم در خارج از طریق توسل و تجمیع توانایی‌ها با شرکای راهبردی و اتحاد و ائتلاف خواهند بود؛ حتی اگر این اقدام برای آن‌ها خطر رها شدن توسط قدرت متحد بزرگ را به همراه داشته باشد. البته واقع‌گرایی تهاجمی همچنین نشان داده است که قدرت‌های بزرگ یا ثانوی ممکن است با استفاده از موازنه نرم در برابر قدرت هژمون یا چالشگر نوظهور (از طریق پیگیری برنامه‌های دیپلماتیک، اقتصادی، توزیع الگوهای ارتباطی، پیوندسازی، و راه‌های کمتر نظامی)، مسیر هژمون شدن قدرت چالشگر یا اعمال سلطه آن را پیچیده‌تر و چالش‌برانگیزتر کنند (Mearsheimer, 2009).

در مقابل، واقع‌گرایی تدافعی به‌عنوان شکل دیگری از نواقع‌گرایی، شرایط جایگزینی را نشان می‌دهد که ممکن است برای توضیح جهت‌گیری رفتاری دولت‌ها در راستای پیگیری موازنه محدودتر یا راهبرد مصون‌سازی به کار رود. واقع‌گرایی تدافعی، با پیش‌فرض گرفتن اینکه دولت‌ها تغییر در توانمندی‌های نسبی را کمتر نگران‌کننده می‌دانند و نیز امنیت را چندان کمیاب تلقی نمی‌کنند، مفروضاتی را ارائه می‌دهند که در آن شرایط، دولت‌ها ممکن است رفتار توازن‌بخش محدودتری را دنبال کنند (Fulton, 2022). نخستین مفروض این است که دولت‌ها، نقش متغیرهای جغرافیایی را در ارتقای امنیت خود و ضرورت ایجاد قابلیت‌های توازن‌بخش، به‌ویژه بر پایه معادله «دفاع-تهاجم» در نظر می‌گیرند و در نتیجه، با برتری دفاعی ناشی از فناوری نظامی که ممکن است از طریق قابلیت‌های داخلی یک دولت یا از خارج از طریق شرکای ائتلاف به‌دست آید، تمایل به رفتار توازن‌بخش محدود را در مقابل موازنه سخت موردنظر واقع‌گرایی تهاجمی از خود بروز می‌دهند (Hughes, 2012; Snyder, 2002, 152-151). مفروض دوم این است که دولت‌ها نه تنها توانایی‌ها، بلکه تهدیدها و نیت‌ها را نیز متوازن می‌کنند. البته با وجود تأکید واقع‌گرایی تدافعی بر ادراک تهدید به‌عنوان محرک اصلی متوازن‌سازی رفتار، امکان تعریف دقیق و عملیاتی آن وجود ندارد که این خود، یکی از چالش‌های نظری و تجربی موجود در این نظریه است. با این حال، در تحلیل‌های جدیدتر، شروع به مشخص کردن یا ارائه برخی از شاخص‌ها برای تشخیص یا مصداقی کردن ارزیابی خوش‌خیم یا بدخیم بودن نیت‌های دولت‌ها کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به رعایت اصول معاهدات دوجانبه، تعهدات آن‌ها به مشارکت اقتصادی، و مشارکت معنادار در نهادهای چندجانبه، میزان انعطاف‌پذیری و توانایی تأثیرگذاری بر آن‌ها از طریق تعامل سیاسی-اقتصادی اشاره کرد (Hamilton & Rathbun, 2013).

بنابراین، بر پایه مفروضات واقع‌گرایی تدافعی، دولت‌ها ممکن است در پی توازن حداقلی در داخل و خارج

و در کنار آن، به کارگیری راهبردهای تعامل یا مصون‌سازی، برای تأثیرگذاری و تعدیل رفتار دولت‌های دیگر به جای توازن سخت قدرت باشند. می‌توان گفت در راهبرد مصون‌سازی عناصر واقع‌گرایی تدافعی با دیدگاه‌های لیبرال دربارهٔ راهبردهای دولت برای واکنش به محیط پیچیده برآمده از گذار قدرت هژمونیک، با هم تلاقی می‌کنند (Hughes, 2016). راهبرد مصون‌سازی در میانهٔ دو طیف موازنه و همنوایی قرار دارد و بیانگر نوعی موازنهٔ نرم با دستاوردهای مطلق است. این راهبرد، مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات با هدف اجتناب (یا برنامه‌ریزی برای احتمالات) در شرایطی است که در آن، دولت‌ها به دلیل پیچیدگی محیط بین‌الملل، قادر به گزینش راهبرد سیاسی مستقیم، همانند موازنه یا همراهی یا حتی بی‌طرفی نیستند؛ بنابراین، در پی راه میانه‌ای هستند که از انتخاب یکی در مقابل دیگری، دوری کنند (Goh, 2005; Lim & Cooper, 2015; Matsuda 2012; Tessman, 2012). تلاقی واقع‌گرایی تدافعی و لیبرالیسم در سناریوهای احتمالی در وضعیت گذار قدرت سیستمی را می‌توان در مفهوم «راهبرد بزرگ هژمونی لیبرال» ایالات متحده به‌عنوان ابزاری برای ترغیب کشورهای نوظهور (مانند چین) برای نشان دادن نیت‌های خیرخواهانهٔ خود یا دولت‌های ثانوی دیگر برای همراهی با خواسته‌های نظم هژمونیک لیبرال در راستای حفظ وضع موجود (مانند رفتار ژاپن) مشاهده کرد. در این شرایط، ترکیب واقع‌گرایی تدافعی و لیبرالیسم (یعنی نظم لیبرال قانون‌محور)، مجموعه‌ای از شرایط فراگیر و فرعی تسهیل‌کننده را شکل می‌دهند: مانند برتری توانمندی‌های دفاعی، پیش‌بینی‌پذیر بودن و انعطاف‌پذیری نیت‌های دولت‌های دیگر، محدودیت‌های سیاسی داخلی که ممکن است مخالف توازن سخت قدرت باشند که دولت‌ها را به سوی اتخاذ راهبرد مصون‌سازی سوق می‌دهد (Hughes, 2016).

اگر راهبرد بین‌المللی ژاپن در بیشتر دوره‌های پس از جنگ سرد تا دههٔ نخست هزارهٔ جدید، بررسی و ارزیابی شود، می‌توان گفت که تأییدکنندهٔ موضع واقع‌گرایی تدافعی در چارچوب «موازنه‌بخشی محدود»، «بازدارندگی لیبرال»، یا کاربرد راهبرد «مصون‌سازی» در واکنش به دگردیسی در توزیع توانمندی‌ها در نظام بین‌الملل و نظام منطقه‌ای پیرامونی‌اش بوده است (Fulton, Hughes, 2012; 2022). ژاپن در این راهبردها، بیشتر نقش پاسدار منطقه‌ای را برای حفظ نظم لیبرال قانون‌محور به‌رهبری آمریکا ایفا کرده است. «دکترین یوشیدا» به‌عنوان راهبرد اصلی ژاپن، از بسیاری جنبه‌ها، تجلی کلاسیک راهبرد مصون‌سازی و رویکرد عمل‌گرایانه بوده است که در قالب مجموعه‌ای از شرایط مساعد امکان‌پذیر شده بود.





به‌همین دلیل، برخی تحلیلگران از جهت‌گیری رفتاری ژاپن، با عنوان «واقع‌گرایی مبتنی بر اکراه» (Green & Self, 1996; 2001; Izumikawa, 2010, Hughes, 2012) ژاپن براساس این راهبرد، با همسویی و اتحاد راحت با ایالات‌متحده و واگذاری مسئولیت به آن برای حفظ امنیت خود در یک دوره و ایفای نقش پاسدار منطقه‌ای امریکا و کسب مسئولیت‌های بیشتر در دوره‌ای دیگر (با ایجاد نوعی توازن محدود در برابر چین و ایالات‌متحده) در راستای حفظ ثبات در نظم منطقه‌ای آسیا-پاسفیک اقدام کرده است. اما اکنون شواهد روزافزونی وجود دارد مبنی بر اینکه شرایط تضمین‌کننده حفظ راهبرد مصون‌سازی و توازن محدود در چارچوب اصول واقع‌گرایی تدافعی و لیبرالیسم، در طول یک دهه گذشته رو به فرسایش نهاده است؛ بنابراین، لازم است که نظریه‌های یادشده در مفروضات و مواضع راست‌گیشانه خود برای تحلیل راهبرد بین‌الملل و دفاعی‌امنیتی ژاپن، بازنگری کنند.

نگرش پیشین سیاست‌گذاران ژاپنی درباره بی‌ضرر دانستن نیت‌های چین به‌عنوان یک قدرت نوظهور سیستمی و نیز اعتماد آن‌ها به انعطاف‌پذیری بالقوه نیت‌های این کشور از طریق تعامل سیاسی اقتصادی، تغییر کرده است. آن‌ها همچنین، معادله دفاع-تهاجم، چه در داخل و چه در خارج را به‌ضرر خود در محیط منطقه‌ای و به‌نفع چین می‌دانند. افزون‌براین، اجماع داخلی درباره خیرخواهانه دانستن رفتارهای چین و حتی پایبندی امریکا به دفاع از ژاپن در وضعیت منازعه با قدرت‌های چالشگر منطقه‌ای نیز در حال افول است؛ موضوعی که سبب قدرت‌گیری احزاب و جریان‌های تجدیدنظرطلب و ناراضی از وضع موجود ژاپن شده است. مشاهده راهبرد دفاعی‌امنیتی ژاپن، از جمله «دکترین کیشیدا» که نوعی گسست از دکترین یوشیدا به‌شمار می‌آید، بیانگر آغاز تغییر عمده در راهبرد این کشور، از راهبرد مصون‌سازی به‌سوی موازنه فعال نرم و موازنه اولیه سخت است.

چنین تغییری در راهبرد ژاپن را باید پیامد وضعیت ناشی از گذار قدرت و ورود به عصر عدم‌قطعیت دانست. از یک‌سو، اکنون در دوره گذار قدرت سیستمی ناشی از تلاقی جهانی و منطقه‌ای رقابت چین و ایالات‌متحده هستیم که منطق اتحاد و ائتلاف را به هم ریخته است و هنوز تکلیف قطیعت در آن مشخص نیست؛ رفتارهای جسورانه چین و نظم‌سازی‌های موازی آن، نظام بین‌الملل را وارد مرحله نظم مهارشونده کرده است؛ درحالی‌که تعهدات و راهکارهای ایالات‌متحده برای حفظ نظم مطلوب خود چندان مشخص نیست و با عدم‌قطعیت همراه است. از سوی دیگر، روند یادشده با شدت‌گیری فرایند جهانی شدن، رشد

منطقه‌گرایی، و پیچیدگی فزاینده سیاست جهان، تقویت شده و ارتباطات و آسیب‌پذیری را به گونه‌ای یکسان افزایش داده است. در چنین شرایط برآمده از پیچیدگی سیستمی، اصل کنترل چرخه‌ای به اصلی تعیین‌کننده در نظام بین‌الملل تبدیل شده است که کنترل در آن به دلیل فرایند بازخورانی مثبت یا منفی، ویژگی چرخه‌ای دارد؛ به این معنا که در کنترل چرخه‌ای، کنترل نه در دست کنترل‌کننده است و نه در دست کنترل‌شونده، بلکه بین آن دو در چرخش است و در واقع، کنترل‌کننده و کنترل‌شونده به گونه‌ای جداگانه وجود ندارد. هر بخش نظام نسبت به دیگری، کنترل‌کننده به‌شمار می‌آید که به نوبه خود، بازگوکننده خودساماندهی، شاخه‌ای شدن، و تکامل هم‌زمان نظام است. همچنین، بر پایه اصل ثبات پویا، ثبات در چنین نظام‌هایی از پویایی برخوردار است؛ به این معنا که به دلیل پرشمار بودن نقاط تعادلی، امکان حرکت نظام از یک نقطه مشخص به نقطه یا نقاط دیگر وجود دارد. به همین دلیل، ثبات در نظام‌های پیچیده، زودگذر است و آنان پیوسته در وضعیت گذار قرار دارند (Cairney, 2012, 349-353; Arfi, 2006).

همین ویژگی سبب می‌شود که ژاپن به دلیل افزایش عدم قطعیت‌ها و پیش‌بینی‌ناپذیری جهت‌گیری‌های رفتاری چین و میزان پایبندی آمریکا به تعهداتش به تغییر در راهبرد دفاعی امنیتی خود روی آورد. همچنین، راهبرد ژاپن در شرایط فعلی با تأثیرپذیری از اصل کنترل چرخه‌ای و با توجه به غیرخطی بودن رفتارهای بازخورانی و کنترل چرخه‌ای چین و آمریکا در هندوپاسیفیک، به گونه‌ای پاندولی بین موازنه نرم و موازنه اولیه سخت در نوسان است. این گونه رفتار نوسانی بین موازنه نرم (که نشان می‌دهد به‌طور کامل از راهبرد مصون‌سازی صرف‌نظر نمی‌کند) و موازنه سخت اولیه، بیانگر تلاش ژاپن برای یافتن مسیرهای نوین انتقال فشارهای سیستمی ناشی از حاکم شدن نظم نامتقارن است. نشانه‌های اولیه حرکت از راهبرد مصون‌سازی به سوی موازنه اولیه سخت را می‌توان در دکترین کیشیدا و ایجاد و تقویت قابلیت‌های دفاعی و نیز قابلیت‌های انتخابی پیگیری برنامه قدرت‌افزایی توسط ژاپن مشاهده کرد که در بخش بعدی بررسی خواهد شد؛ بنابراین، اگر تا پیش‌از این، بر پایه مفروضات واقع‌گرایی تدافعی و به‌ناچار و با بی‌میلی، در چارچوب نظم قانون‌محور آمریکا و همسو با رویکردهای موازنه محدود اقدام می‌کرد، اکنون با توجه به رنجش از وضع موجود خود و بر پایه واقع‌گرایی خشم‌آمیز<sup>۱</sup> (Hughes, 2012, 2016) و با بروز مفروضات



<sup>۱</sup> Japan Self-Defense Forces (JSDF)

<sup>۲</sup> Resentful Realism



واقع‌گرایی تهاجمی، به‌سوی استقلال نسبی راهبردی، در عین حفظ اتحاد و ائتلاف خود با امریکا روی آورده است. این وضعیت می‌تواند پیچیدگی بیشتر نظام منطقه‌ای و تشدید بی‌ثباتی آن را (به‌جای موازنه قدرت)، در پی داشته باشد؛ بنابراین، واقع‌گرایی تدافعی، نیازمند بازنگری در مفروضات اولیه خود در تحلیل رفتار ژاپن است و واقع‌گرایی تهاجمی (البته با احتیاط و در چارچوب منطق پیچیدگی) از قابلیت تبیین بهتری برای تغییر در راهبرد دفاعی-امنیتی ژاپن و بررسی عوامل شکل‌دهنده آن برخوردار است.

### ۳. روند تحول در راهبرد دفاعی و امنیتی ژاپن پیش و پس از جنگ سرد

ژاپن، از پایان جنگ جهانی دوم، پیوسته مسیر یک کشور صلح‌طلب را دنبال کرده است و تاکنون به حفظ سیاست ملی منحصراً دفاع‌محور، تبدیل نشدن به قدرت نظامی‌ای که تهدیدی برای کشورهای دیگر باشد، و رعایت سه اصل غیرهسته‌ای، پایبند بوده است (Japan NSS, 2013, 3). ماده ۹ قانون اساسی این کشور که پس از جنگ جهانی دوم توسط مقامات آمریکایی تهیه شد، ژاپن را از حفظ ارتش برای تقویت توانمندی‌های تهاجمی منع می‌کند (Kiely, 2019). براساس این ماده، «مردم ژاپن با آرزوی خالصانه صلح بین‌المللی مبتنی بر عدالت و نظم، برای همیشه از جنگ به‌عنوان حق حاکمیتی ملت و تهدید یا استفاده از زور به‌عنوان وسیله‌ای برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی، چشم‌پوشی می‌کنند. به‌منظور تحقق هدف بند پیشین، نیروهای زمینی، دریایی، هوایی، و سایر قابلیت‌های جنگی، هرگز حفظ نمی‌شوند و حق جنگ‌طلبی دولت به‌رسمیت شناخته نخواهد شد» (The Constitution of Japan, 2004).

در طول دوره اشغال ژاپن توسط متفقین، پس از جنگ جهانی دوم، نخست‌وزیر شیگرو یوشیدا، مجموعه‌ای از سیاست‌های خارجی و امنیتی پس از جنگ را مطرح کرد که به «دکترین یوشیدا» معروف شد. این دکترین به‌شرح زیر تعریف شده است: (۱) ژاپن، امنیت ملی خود را از طریق اتحاد با ایالات متحده تضمین می‌کند؛ (۲) ژاپن، ظرفیت پایینی برای دفاع از خود دارد؛ (۳) ژاپن، منابع ذخیره‌شده در نتیجه سیاست‌های اول و دوم در فعالیت‌های اقتصادی را صرف توسعه کشور به‌عنوان کشوری تجاری می‌کند. اصطلاح دکترین یوشیدا در سال ۱۹۷۷ توسط ماساشی نیشیهارا<sup>۱</sup> متخصص برجسته، به‌عنوان الگویی برای تعریف راهبرد سازگار و عمل‌گرا در ژاپن پس از جنگ ابداع شد. این راهبرد در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰، زمانی که قدرت ساختاری و اقتصادی ایالات متحده به‌تدریج روبه‌افول نهاده و ژاپن در حال

<sup>۱</sup> National Security Strategy of Japan

<sup>۲</sup> Masashi Nishihara

تبدیل شدن به یک گول اقتصادی بود، در میان دانشمندان ژاپنی به نقطه ثابت تعادل تبدیل شد (Sugita, 2016, 123). پس از جنگ سرد، ژاپن برخلاف ماده ۹ قانون اساسی خود، مایل و قادر به حفظ نیروهای مسلح توانمند با عنوان «نیروهای دفاع از خود» بود (Fels, 2017, 514).

این کشور از سال ۲۰۰۱، کمک‌های خود را برای حفظ امنیت جهانی مشترک، از جمله در قالب حمایت از «جنگ علیه تروریسم» ایالات متحده، به گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. همچنین، در سال ۲۰۰۴ (هرچند زیر فشار شدید ایالات متحده) یک گروه نظامی را در جنوب عراق مستقر کرد که تا سال ۲۰۰۶، کمک‌های بشردوستانه ارائه می‌کردند. نیروی دریایی ژاپن، پشتیبانی لجستیکی را در اقیانوس هند برای کشتی‌های جنگی ایالات متحده و سایر کشتی‌های جنگی درگیر در جنگ در افغانستان فراهم می‌کرد و به مأموریت بین‌المللی مبارزه با دزدی دریایی در خلیج عدن پیوست (Berkofsky, 2009). در سال ۲۰۱۵ و در دوره نخست‌وزیری شینزو آبه، ژاپن در اقدامی تاریخی، قانون اساسی خود را بازتفسیر کرد؛ به گونه‌ای که به ارتش این کشور اجازه داد برای نخستین بار از متحدانش، هرچند در شرایطی محدود، دفاع کند. این تغییر به ایالات متحده و ژاپن کمک کرد تا یک‌بار دیگر، در دستورالعمل‌های دفاعی خود بازنگری کنند، دامنه همکاری نظامی‌شان را گسترش دهند و اتحادشان را بر تهدیدات فعلی، از جمله چین و کره شمالی و فناوری‌های جدید متمرکز کنند. جانشینان آبه، یوشیهیده سوگا و فومو کیشیدا، از اعضای حزب لیبرال دموکرات، با چشم‌انداز سیاست خارجی آبه موافق بودند و با ابراز نگرانی از افزایش قدرت چین، از افزایش هزینه‌های دفاعی حمایت می‌کردند (Cheng and Maizland, 2021). می‌توان گفت، دکتین آبه که در روند تکاملی سیاست‌گذاری بلندمدت ژاپن قرار دارد (برپایه آنچه در بخش نظری توضیح داده شد)، بیشتر مبتنی بر رویکردی واقع‌گرایانه است تا ملی‌گرایانه. منطبق اصلی این دکتین، ژاپن را به سوی شکل جدیدی از واقع‌گرایی منطقه‌ای سوق می‌دهد. دکتین آبه در راستای تقویت قدرت دفاعی ژاپن، در چارچوب بازدارندگی مشارکتی (بازدارندگی لیبرال) قابل درک است. در بازتفسیر قانون اساسی ۲۰۱۴ کابینه آبه تأکید شده است: «هیچ کشوری نمی‌تواند صلح را به تنهایی تأمین کند. با نگاهی واقع‌بینانه، تنها با دستیابی به بازدارندگی بیشتر از طریق همکاری نزدیک‌تر با آمریکا و تجدیدنظر در آنچه دفاعی به‌شمار

۱ JSDF

۲ Yoshihide Suga

۳. برای درک بیشتر این مفهوم به بخش نظری مقاله مراجعه شود.



می‌آید، می‌توان به مقابله پرداخت» (Envall, 2018, 1-11)؛ بنابراین، برخلاف فرهنگ ملی صلح‌آمیز ژاپن، کابینه آبه بر واقعیت‌های محیط امنیتی ژاپن تأکید داشته و اتخاذ سیاست‌های واقع‌گرایانه را در چنین محیط امنیتی‌ای و در برابر چین و کره شمالی هسته‌ای، رویکردی مناسب می‌دانست. بر مبنای رویکرد وی، دیگر ژاپن نمی‌تواند بر فرهنگ ملی صلح‌آمیز خود — که مبتنی بر کاهش نقش و هزینه‌های نظامی این کشور است — تکیه کند.

اراده ژاپن برای بهبود پایدار توانمندی‌های دفاعی‌اش را می‌توان در اجرای سومین سال «برنامه دفاعی میان‌مدت» (سال مالی ۲۰۱۹-۲۰۲۳) مشاهده کرد که در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۸ توسط کابینه تصویب شد. این برنامه ادامه «دستورالعمل‌های برنامه دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۹ و پس‌از آن» است تا به «نیروی دفاعی چندحوزه‌ای»<sup>۳</sup> (حوزه‌های فضا، سایبر و الکترومغناطیس) برای شکل‌دهی به توانمندی دفاعی مؤثر شکل دهد. افزون‌براین، ژاپن توانایی دفاعی خود را برای هماهنگی با تغییرات سریع فزاینده در محیط امنیتی، با سرعتی متفاوت با گذشته و با تخصیص منعطف و فشرده منابع، از جمله منابع انسانی مؤثر بدون پایبندی به بودجه موجود، تقویت خواهد کرد (Ministry of Defense, 2021, 1-3).

وزیر دفاع وقت ژاپن<sup>۴</sup> (کیشیدا) در کابینه شینزو آبه، در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۰ اظهار داشت که شاید تنها بهبود توانایی رهگیری موشکی ژاپن برای حفاظت از جان مردم کشور کافی نباشد و پیشنهاد کرد، توکیو به توانایی تهاجمی دست یابد. پس از وی، یوشیهیده سوگا (در ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۰ نخست‌وزیر ژاپن شد) و جو بایدن، در تاریخ ۱۶ آوریل ۲۰۲۱، در یک بیانیه مشترک، بر اهمیت بازدارندگی برای حفظ صلح و ثبات در منطقه تأکید کردند و ژاپن متعهد شد برای تقویت توانایی‌های دفاع ملی خود در راستای تقویت هرچه بیشتر اتحاد و امنیت منطقه‌ای تلاش خواهد کرد. اما برخی تحلیلگران در پاسخ به چگونگی تقویت توانمندی دفاع ملی این کشور و در چارچوب منطق بازدارندگی، بر ضرورت در نظر گرفتن مفهوم نقطه عزیمت<sup>۵</sup> برای توانمندی‌های ضربه‌ای ژاپن تأکید کرده‌اند تا قادر به بازداشتن چین از حمله مسلحانه باشد یا بتواند از توانمندی لازم برای انجام عملیات ضربه‌ای که با پاسخ متقابل روبه‌رو می‌شود، برخوردار شود (Mori

<sup>۱</sup> The Medium-Term Defence Programme (MDTP)

<sup>۲</sup> the National Defence Programme Guidelines (NDPG)

<sup>۳</sup> Multi-Domain Defense Force

<sup>۴</sup> کیشیدا در آن زمان، وزیر دفاع کابینه آبه بود.

<sup>۵</sup> A Point-of-Departur

(7, 2021, and others). به بیان روشن تر، می توان گفت در محیط بین المللی پیچیده امروز، قدرت بازدارندگی مؤثر، به معنای تلاش برای واکنش اثرگذار به جای مقابله و تخریب است. پس از آبه، نخست وزیر وقت، یوشیهیده سوگا، در بجهوحه افزایش شدید نیروهای نظامی چین، تشدید فشارهای برآمده از زرادخانه موشکی در حال رشد کره شمالی و ادامه فعالیت های ارتش روسیه در شرق آسیا، به فرایند بهبود گسترده توانمندی های دفاعی ژاپن ادامه داد. زمانی که آبه در سال ۲۰۲۰ از قدرت کنار رفت، این منطق فکری توسط جانشینان وی دنبال شد. جانشین او، یوشیهیده سوگا، از خط فکری آبه در عرصه سیاست خارجی، از جمله در مسائل دفاعی و امنیتی، پیروی کرد. کیشیدا، نخست وزیر کنونی، که در سال ۲۰۲۱ جانشین سوگا شد، نیز سیاست های دفاعی و امنیتی آبه را به گونه ای همه جانبه تأیید می کند. گفتنی است، کیشیدا، طولانی ترین دوره وزارت امور خارجه ژاپن را پس از جنگ تجربه کرده و همچنین، در کابینه آبه وزیر دفاع بوده است. به همین دلیل، ناظران ژاپنی، انتظار تداوم سیاست دفاعی و امنیتی نوین را دارند (Jain, 2022, 12). در حال حاضر ژاپن، تقریباً ۲۴۰۰۰۰ نیروی فعال (۱۵۰۰۰۰ نیروی زمینی، ۴۵۰۰۰ نیروی دریایی، ۴۵۰۰۰ نیروی هوایی) و ۱۴۰۰۰ گارد ساحلی در اختیار دارد (The World Fact Book, 2022).

با نخست وزیر شدن فومیو کیشیدا در اکتبر ۲۰۲۱، ژاپن در اواخر دسامبر ۲۰۲۲، راهبرد جدید امنیت ملی و دفاعی خود را با عنوان «دکترین کیشیدا» اعلام کرد. این دکترین، هنجارهای سیاسی اساسی بسیاری از دوره های پس از جنگ جهانی دوم را از بین برد. بر پایه راهبرد جدید مطرح شده، توکیو آماده رونمایی از طرح هایی برای دوبرابر کردن هزینه های دفاعی (۳۱۸ تا ۳۵۰ میلیارد دلار) در طول پنج سال آینده است و ۱ درصد غیررسمی تولید ناخالص داخلی را، که از سال ۱۹۷۶ ثابت بوده است، کنار می گذارد. این کشور همچنین، برنامه هایی را برای دستیابی به موشک های کروز دوربرد با قابلیت اصابت به اهدافی در داخل خاک کره شمالی یا چین و کاهش محدودیت های پس از جنگ در پیش بینی قدرت نظامی، تنظیم خواهد کرد و ممکن است بسیاری از محدودیت های باقی مانده برای صادرات تجهیزات دفاعی را که نخستین بار در سال ۱۹۶۷ تصویب و در سال ۲۰۱۴ به شکل محدود کنار گذاشته شد، به طور کامل حذف کند. این بسته در صورت اجرا شدن، سنت تغییر تدریجی در سیاست های دفاعی ژاپن را که ریشه در ماده ۹ قانون اساسی دارد، خواهد شکست و سرانجام، وضعیت دفاعی ژاپن و اتحاد آمریکا را تغییر خواهد داد که ممکن است پیامدهای پیش بینی ناپذیری برای نظم منطقه ای داشته باشد. انجام این تغییر، سبب ایجاد محیط امنیتی منطقه ای می شود که مقامات ژاپنی از آن به عنوان چالش برانگیزترین محیط از زمان اشغال این کشور





توسط آمریکا یاد می‌کنند (Johnstone, 2022). سیاست‌گذاران ژاپنی به‌عمد از به‌کارگیری اصطلاحات «حملهٔ دوربرد» و «حملهٔ تهاجمی» پرهیز می‌کنند. در عوض، آن‌ها این‌گونه قابلیت‌های موشکی را با استفاده از عبارت‌هایی مانند «بازدارندگی» یا «دفاع از خود» توصیف می‌کنند؛ رویکردی که به دههٔ ۱۹۵۰ بازمی‌گردد (Harold and Hornung, 2021). باین‌حال، در دهه‌های اخیر، توکیو که توسط جناح‌های جنگ‌طلب حزب حاکم لیبرال‌دموکرات هدایت می‌شود، به‌گونه‌ای فزاینده، نظامی‌سازی دوبارهٔ این کشور را گسترش داده است. در واقع، ژاپن در حال حاضر نهمین قدرت هزینه‌کننده در عرصهٔ نظامی در سطح جهان است؛ از این‌رو، به‌نظر می‌رسد گام منطقی بعدی، بازنگری در قانون اساسی باشد (Mason, 2021).

#### ۴. دکترین فومیو کیشیدا؛ افزایش نقش ژاپن در سیاست جهانی

نظام‌های پیچیده در وضعیت عدم قطعیت، سیالیت، پراکندگی، و چندبعدی بودن قدرت، رفتارهای غیرخطی‌ای را از خود بروز می‌دهند که به‌نوبهٔ خود بر فرایند سیاست‌گذاری و سوگیری رفتار سیستمی و منطقه‌ای کنشگران تأثیر می‌گذارد. اگر عنصر حیاتی چشم‌انداز راهبردی منطقهٔ آسیاپاسیفیک را بازگشت رقابت قدرت‌های بزرگ بدانیم، «دکترین کیشیدا»، ادامهٔ سیاست‌های واقع‌گرایانهٔ شینزو آبه در بستر چنین عدم قطعیتی و رفتارهای غیرخطی ناشی از نظم نامتقارن حاکم بر منطقه است. آنچه کیشیدا از آن با عنوان «دیپلماسی واقع‌گرایانه برای دورهٔ جدید» یاد می‌کند، ادامهٔ همان مفهوم جدید نیروی دفاعی پویا است که از سال ۲۰۱۳ در دکترین دفاعی ژاپن گنجانده شد. به‌گفته کیشیدا، «همان‌گونه که جامعهٔ بین‌المللی بر سر یک چهارراه تاریخی سخت و واقع‌بینانه قرار گرفته است و به ارزش‌های جهانی اهمیت می‌دهد، من نیز متعهد به «دیپلماسی واقع‌گرایانه برای دورهٔ جدید» هستم که به‌طور کامل به این نوع عمل‌گرایی پایبند است. ما در مقابله با چالش‌ها و بحران‌هایی که ژاپن، آسیا، و جهان با آن روبه‌رو هستند، فعالانه‌تر از همیشه عمل خواهیم کرد» (Prime Minister Office of Japan, 2022). کیشیدا با در نظر گرفتن این چشم‌انداز، به‌منظور حفظ و تقویت نظم صلح‌آمیز در این منطقه، «چشم‌انداز کیشیدا برای صلح» را مطرح، و پنج رکن ابتکاری زیر را برای تقویت نقش دیپلماتیک و امنیتی ژاپن در منطقه ترسیم کرد:

۱. حفظ و تقویت نظم بین‌المللی قانون‌محور: ما به‌ویژه، برای ایجاد تحولات جدید بر هند و پاسیفیک آرام، آزاد، و باز تأکید کرده و برای رسیدن به آن اعمال فشار خواهیم کرد؛
۲. افزایش امنیت: این امر مستلزم تقویت اساسی توانایی‌های دفاعی ژاپن هم‌زمان با تقویت اتحاد ژاپن و

۱ Dynamic Defence Force (DDF)

ایالات متحده و تقویت همکاری امنیتی با سایر کشورهای همفکر خواهد بود؛  
۳. انجام تلاش‌های واقع‌بینانه برای ایجاد جهانی بدون سلاح هسته‌ای است؛  
۴. تقویت وظایف سازمان ملل از جمله اصلاحات شورای امنیت سازمان ملل؛  
۵. تقویت همکاری‌های بین‌المللی در حوزه‌های سیاست جدید مانند امنیت اقتصادی است (Prime Minister Office of Japan, 2022).

از این پنج رکن چشم‌انداز صلح کیشیدا در حوزه دیپلماسی و امنیت با عنوان «دکترین کیشیدا» یاد می‌شود. این دکترین در حوزه دفاعی و امنیتی دارای اهداف مهمی است که متضمن گامی در راستای تداوم تغییر در دکترین دفاعی بر پایه مفهوم جدید نیروی دفاعی پویا است و ویژگی آن، نیروهای سبک‌تر و به‌لحاظ فناوری، پیشرفته‌تر با قابلیت‌های پیش‌بینی قدرت در شرایط احتمالی و پیش‌بینی ناپذیر منطقه‌ای است. بر همین اساس، فومیو کیشیدا، که در ۴ اکتبر ۲۰۲۱ نخست‌وزیر ژاپن شد، در سخنرانی خود در نوزدهمین گفت‌وگوی شانگری‌لا در تاریخ ۱۰ ژوئن ۲۰۲۲ در سنگاپور، طرح دفاعی و امنیتی خود در منطقه و از جمله تصمیم بر دوبرابر کردن هزینه‌های دفاعی فعلی (۳۲۰ تا ۳۵۰ میلیارد دلار) با تخصیص ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی را مطرح کرد تا ژاپن، نقش برجسته‌تری در اقتصاد جهانی و همچنین، دفاع و امنیت جهانی و سیاست ایفا کند (Hughes, 2022). در دوره کیشیدا، با توجه به پیچیدگی محیط امنیتی بین‌المللی و مقابله با تهدیدات آن، در سه سند کلیدی مرتبط با امنیت این کشور بازنگری انجام شد و به‌طور خاص، نوسازی و توسعه ارتش در دستور کار قرار گرفت. این سه سند عبارتند از:

۱. راهبرد امنیت ملی جدید<sup>۱</sup> (NSS, December 2022)، با ارزیابی توکیو از تهدیدهای مطرح‌شده علیه آن، ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی، فناوری، و نظامی لازم برای مقابله با آن‌ها را ارائه می‌دهد. این راهبرد که تنها دومین راهبرد در تاریخ پس از جنگ ژاپن است، به چین، کره شمالی، و روسیه به‌دلیل نگرانی‌های خاص خود، توجه ویژه‌ای دارد (Ministry of Defense, 2022).  
۲. طرح ده‌ساله راهبرد دفاع ملی<sup>۲</sup> (NDS, December 2022): این راهبرد که نسخه بازنگری‌شده و به‌روزشده خطوط راهنمای برنامه دفاع ملی<sup>۳</sup> سال ۲۰۱۸ است، پیشرفت‌های نظامی موردنیاز نیروهای

<sup>۱</sup> Hangri-La

<sup>۲</sup> The National Security Strategy (NSS)

<sup>۳</sup> The National Defense Strategy (NDS)

<sup>۴</sup> The National Defence Programme Guidelines (NDPG)





"SDF" را برای انجام وظایف خود مشخص می‌کند. فهرست پیشرفت‌های دفاعی، جامع است: این طرح، خواهان فرماندهی عملیاتی یکپارچه جدید برای سه نیروی SDF، فضای گسترده و قابلیت‌های سایبری و دستیابی به قابلیت‌های حمله دوربرد است (Langel, 2022).

۳. برنامه تقویت دفاعی که برنامه به‌روزشده و جایگزین برنامه دفاعی میان‌مدت است. این برنامه، بیانگر تغییر پارادایمی در توانمندی نیروهای دفاع از خود ژاپن از بازدارندگی بالقوه به سوی واقعیت‌های میدانی است. بخش مهمی از این برنامه، به بازنگری در رویکردها برای دستیابی به قدرت دفاعی و همچنین، رسیدگی به چالش‌های جدی و طولانی‌مدت پیش روی قابلیت‌های صنعت دفاعی ژاپن می‌پردازد تا بتواند بخش چشمگیری از ناکارآمدی و هزینه‌های بالا را جبران کند. ناکارآمدی‌هایی که به‌لحاظ تاریخی، دستاورد سیاست‌های پس از جنگ و ممنوعیت صادرات دفاعی و محدود کردن صنعت دفاعی ژاپن به بازار کوچک دفاعی داخلی این کشور بوده است. در نتیجه، ایجاد پایگاه صنعتی قوی و رقابتی برای تقویت قابلیت دفاعی ژاپن به‌عنوان امری ضروری مطرح شده است (Rubinstein, 2023).

همچنین، برنامه توسعه پنج‌ساله (Defense Development Program, December 2020) که در سال ۲۰۲۲ به‌روزرسانی شده است، اولویت‌های اولیه برای اجرای طرح دفاعی را مشخص می‌کند. برآورد شده است که حدود ۳۲۰ میلیارد دلار در این دوره اولیه هزینه شود که از سال مالی آینده شروع می‌شود و تا سال ۲۰۲۷ ادامه خواهد داشت (Smith, 2022, 1).

براساس اسناد یادشده، به‌عنوان بخشی از کارکردها و قابلیت‌های موردنیاز برای دفاع، ژاپن به قابلیت‌هایی نیاز دارد که با آن نیروهای مهاجم را در فاصله‌های طولانی، مختل کرده و شکست دهد و در نتیجه از حمله دشمن به خاک خود جلوگیری کند (حمله پیش‌دستانه). براین اساس، ژاپن «قابلیت‌های دفاعی» و «قابلیت‌های دفاع هوایی و موشکی یکپارچه» خود را تقویت خواهد کرد (Japan NDS, 2022, 12). کیشیدا در طرح راهبرد دفاع ملی و راهبرد امنیت ملی جدید ژاپن اذعان می‌کند که «در انجام این کار، هیچ گزینه‌ای، از جمله «قابلیت‌های ضدحمله» را رد نخواهیم کرد» (Prime Minister Office of Japan, 2023a). در واقع، در راهبرد دفاع ملی ژاپن آمده است که کلید بازدارندگی ژاپن، قابلیت‌های ضدحمله است که در این راستا از قابلیت دفاعی و سایر قابلیت‌ها بهره می‌برد (Japan NSS, 2022, 19).

۱ Defense Buildup Program (DBP)

۲ The Medium-Term Defence Programme (MDTP)

اهداف دفاعی ترسیم شده در این سند، که در دوره کیشیدا طرح شده‌اند به شرح زیر است:

- هدف نخست، شکل دادن به محیط امنیتی‌ای است که تغییرات یکجانبه وضع موجود را به زور نمی‌پذیرد؛

- هدف دوم، جلوگیری از تغییرات یکجانبه در وضع موجود با توسل به زور (مانند حمله چین به تایوان) در حوزه صلح و امنیت ژاپن از طریق همکاری با متحدان، کشورهای هم‌پیمان و دیگران است. همچنین، در صورت وقوع این اتفاق، ژاپن به سرعت واکنش نشان خواهد داد و وضعیت را در مراحل اولیه کنترل خواهد کرد تا از تشدید بحران و حمله به ژاپن جلوگیری کند؛

- هدف سوم این است که اگر به طور اتفاقی، بازدارندگی شکست خورد و حمله‌ای به ژاپن رخ داد، به سرعت و به گونه‌ای یکپارچه و براساس روش خود به آن واکنش نشان دهد و به عنوان مسئولیت اولیه خود، ضمن حمایت از دیگر شرکا، به منظور شکست حمله، اختلال ایجاد کند؛ هسته اصلی چنین تلاش‌هایی، تقویت اساسی قابلیت‌های دفاعی است که ضامن نهایی امنیت ژاپن است تا بتواند به طیفی از موقعیت‌های احتمالی به شیوه‌ای واقعاً مؤثر پاسخ دهد و از آن جلوگیری کند.

توکیو به منظور انجام عملیات یکپارچه در تمام مراحل از زمان صلح تا رویدادهای احتمالی مسلحانه، تلاش کرده است تا نیروی دفاعی‌ای با قابلیت عملکرد هم‌زمان و هم‌افزای چندحوزه‌ای بسازد که توانایی‌های فضایی، سایبری، و طیف الکترومغناطیسی را در حوزه‌های زمینی، دریایی، و هوایی ترکیب می‌کند و قادر به فعالیت‌های پایدار و انعطاف‌پذیر از طریق عملیات مشترک است (Japan NDS, 2022, 10-11).

کیشیدا در سخنرانی در دانشگاه جان هاپکینز در سال ۲۰۲۳، دکترین خود را به گونه‌ای جامع‌تر در پاسخ به تحولات ساختاری بین‌المللی، مانند «تغییر در حال وقوع در توازن قدرت جهانی، رقابت شدید میان قدرت‌ها، ایجاد محیط امنیتی پیچیده و بی‌سابقه در هندوپاسیفیک و تشدید روند فزاینده پیچیدگی در محیط پیرامون ژاپن شامل تقویت قابلیت‌های هسته‌ای و موشکی، تسریع تراکم نظامی و تلاش برای تغییر یکجانبه وضع موجود با زور» مطرح کرد و آن را عاملی برای «تغییر سیاست امنیتی خود پس از جنگ، به منظور تقویت توانمندی‌های ضدحمله، بهبود قابلیت‌های واکنش در زمینه امنیت سایبری، تقویت موقعیت دفاعی خود در منطقه جنوب غربی ژاپن، جلوگیری از فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده چین، حفظ امنیت تایوان، و تقویت همکاری با آمریکا و کره جنوبی برای مقابله با فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی کره شمالی» مطرح کرد. به نظر کیشیدا «دیدگاه واقع‌بینانه این است که دیپلماسی به پشتوانه توانمندی‌های دفاعی نیاز دارد و تقویت قابلیت‌های دفاعی نیز سبب افساح در انجام تلاش‌های دیپلماتیک ما می‌شود» (Prime Minister

در راهبرد امنیت ملی ژاپن در دوره کیشیدا در سال ۲۰۲۲، موضوع حمله پیش‌دستانه نیز وجود دارد و در کنار آن، تقویت همکاری دفاعی با شرکا در گروه راهبردی چهارگانه (QUAD) و همکاری دفاعی-امنیتی با اروپا در قالب گروه هفت و ناتو به‌منظور تأمین امنیت و بازدارندگی در اقیانوس هند و پاسیفیک در دستور کار ژاپن قرار گرفته است؛ بنابراین، مفهوم رقابت قدرت‌های بزرگ با رویکرد واقع‌گرایی در دکترین کیشیدا برجسته می‌شود و ژاپن ناگزیر است به‌عنوان «قدرت بزرگ ثانوی» نقش مهمی در سیاست جهانی ایفا کند. براین اساس، می‌توان گفت، سیاست ژاپن در دوره کیشیدا بیشتر جهانی است تا منطقه‌ای. در دکترین کیشیدا و اتخاذ سیاست جدید دفاعی و امنیتی وی، ژاپن نقش فعال نظامی و امنیتی گسترده‌تری در منطقه و جهان به‌عهده می‌گیرد و بیانگر رویکرد واقع‌گرایی در سیاست دفاعی-امنیتی و خارجی کیشیدا است. اما همان‌گونه که از پنج رکن ابتکاری کیشیدا و نیز مفاد سه سند امنیتی-دفاعی ژاپن مشخص است، راهبرد بین‌المللی و دفاعی-امنیتی ژاپن، ضمن اینکه نظامی‌سازی دوباره سیاست امنیتی ژاپن را نشان می‌دهد که هماهنگ با دیدگاه واقع‌گرایی تهاجمی است، نوعی نوسان و چرخش بین موازنه نرم فعال و موازنه اولیه سخت را نیز نشان می‌دهد.

براین اساس، از زمانی که در سال ۲۰۱۵ انجام تغییرات در تفسیر قانون اساسی تصویب شد، سیاست خارجی ژاپن به‌گونه‌ای فزاینده، شبیه به سیاست «قدرت بزرگ» شده است؛ بنابراین، بازتفسیر ماده ۹ نشان‌دهنده موقعیت دشوار ژاپن بین آسیا و ایالات متحده است. این امر با زیرکی سیاسی نخست‌وزیر، فومیو کیشیدا، ترکیب شده است. او اکنون به‌سوی رابطه‌ای بسیار نزدیک با ایالات متحده متمایل است که خطر وارد شدن به درگیری‌های خارجی را به‌همراه دارد (Mason, 2022). براساس دکترین کیشیدا، ژاپن باید نقشی «متناسب با قدرت ملی خود»، یعنی در حد یک قدرت جهانی در راستای حفاظت از «نظم بین‌المللی پس از جنگ» ایفا کند. بر همین مبنا، سیاست‌های جدید ژاپن، نقطه عطفی در راهبرد امنیت ملی این کشور پس از جنگ جهانی دوم به‌شمار می‌آید. با این حال، همان‌گونه که دیگران نیز اشاره کرده‌اند، اجرای آن، به‌معنای برخورد با برخی از دشواری‌ها، از جمله تأمین منابع اقتصادی است. تأمین مالی برنامه‌های دفاعی جدید با هزینه‌های بالای آن، چالش بزرگی خواهد بود که به حمایت داخلی پایدار نیاز دارد؛ به‌ویژه اگر نیاز به افزایش مالیات و کاهش هزینه‌ها داشته باشد. کیشیدا با آگاهی از این موضوع که منطقه بیشتر دوقطبی شده



است تا چندقطبی و این واقعیت که ژاپن و هند از چین عقب مانده‌اند و استرالیا بیشتر به ایالات متحده متکی است (Lowy Institute, 2021, 13)، اقدام به طراحی چنین دکترینی کرده است. مؤسسه لاوی با اندازه‌گیری منابع و نفوذ کشورهای آسیایی، قدرت نسبی آن‌ها را برآورد کرده و تغییر در توازن قدرت را در طول زمان و متناسب با تحولات امروزین دنبال می‌کند. این مؤسسه، قدرت بین‌المللی در آسیا را از طریق ۱۳۱ شاخص در هشت معیار موضوعی ارزیابی می‌کند. این معیارها، توانایی دولت‌ها را در شکل‌دهی و واکنش به محیط خارجی خود ارزیابی و سنجش می‌کند. شاخص قدرت، به‌عنوان ظرفیت یک دولت برای هدایت یا تأثیرگذاری بر رفتار دولت‌های دیگر، بازیگران غیردولتی، و روند رویدادهای بین‌المللی تعریف می‌شود. قدرت جامع یک کشور، با تعیین میانگین وزنی آن در هشت معیار موضوعی قدرت به دست می‌آید که به‌طور خلاصه در جدول شماره (۱) ارائه شده است (Lowy Institute, 2021, 3-4).

#### جدول شماره (۱). هشت معیار قدرت جامع

قابلیت اقتصادی
قدرت پایه اقتصادی و ویژگی‌های اقتصادی با بیشترین ارتباط ژئوپلیتیکی، براساس میزان تولید ناخالص داخلی در برابری قدرت خرید، اهرم بین‌المللی، پیچیدگی فناوری، و اتصال جهانی اندازه‌گیری می‌شود.
قابلیت نظامی
قدرت نظامی متعارف، براساس هزینه‌های دفاعی، نیروهای مسلح و سازمان، تسلیحات و پلتفرم‌ها، قابلیت‌های مانور، و موقعیت نظامی در آسیا اندازه‌گیری می‌شود.
تاب‌آوری
توانایی جلوگیری از تهدیدهای خارجی واقعی یا بالقوه برای ثبات دولت، براساس ثبات نهادی داخلی، امنیت منابع، امنیت ژئواکونومیک، امنیت ژئوپلیتیک، و بازدارندگی هسته‌ای اندازه‌گیری می‌شود.
منابع آینده
توزیع پیش‌بینی‌شده منابع و قابلیت‌های آینده که امروزه در درک قدرت نقش دارند. براساس برآوردهای اقتصادی، دفاعی، و منابع گسترده در سال ۲۰۳۰، و همچنین، پیش‌بینی سود سهام جمعیت در سن کار و نیروی کار برای سال ۲۰۵۰ اندازه‌گیری می‌شود.
روابط اقتصادی
ظرفیت اعمال نفوذ از طریق وابستگی‌های متقابل اقتصادی، براساس روابط تجاری، روابط سرمایه‌گذاری، و دیپلماسی اقتصادی اندازه‌گیری می‌شود.
شبکه‌های دفاعی

Lowy



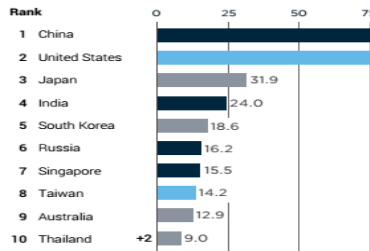
۵۳۷

تحول استراتژی دفاعی و  
سیاست امنیتی ژاپن  
(۲۰۲۱-۲۰۲۳)

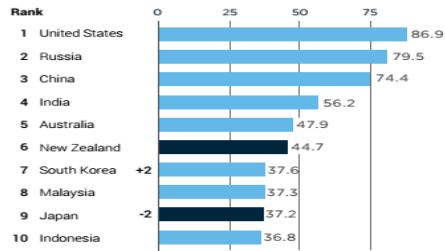
مشارکت‌های دفاعی که به‌عنوان تقویت‌کننده نیروی نظامی خودمختار عمل می‌کنند، از طریق ارزیابی اتحادها، دیپلماسی دفاعی منطقه‌ای و انتقال تسلیحات سنجیده می‌شود.
نفوذ دیپلماتیک
وسعت و جایگاه روابط خارجی یک دولت، براساس شبکه‌های دیپلماتیک، مشارکت در مؤسسه‌ها و اتحادهای چندجانبه، و سیاست خارجی کلی و جاه‌طلبی راهبردی سنجیده می‌شود.
نفوذ فرهنگی
توانایی شکل دادن به افکار عمومی بین‌المللی از طریق جذابیت فرهنگی و تعامل، براساس میزان توانایی در فرافکنی فرهنگی، جریان اطلاعات و تبادل افراد اندازه‌گیری می‌شود

**نمودار شماره (۱). ارزیابی قابلیت‌های اقتصادی، تاب‌آوری، منابع آینده، و توانمندی نظامی ژاپن**

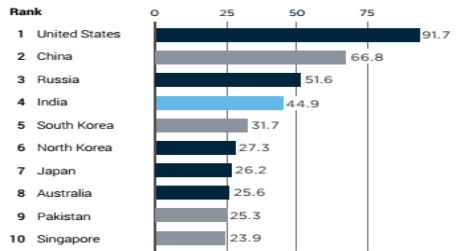
**ECONOMIC CAPABILITY**



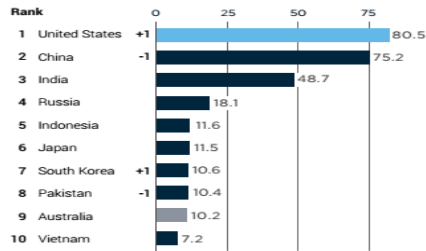
**RESILIENCE**



**MILITARY CAPABILITY**



**FUTURE RESOURCES**



**SCORE TREND** Upward Downward No change

Source: Lowy Institute, 2021, 5

همان‌گونه که داده‌های نمودار شماره (۱) نشان می‌دهد، ژاپن در معیارهای تاب‌آوری، قابلیت نظامی، و منابع آینده در وضعیت مطلوبی قرار ندارد، اما در سایر شاخص‌ها که در نمودار شماره (۲) آمده است، در جایگاه سوم قرار گرفته است.

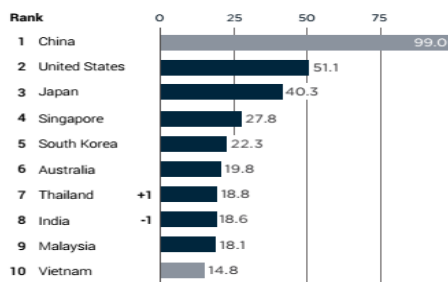
به‌طورکلی، در نمودار قدرت جامع (شامل میانگین ۸ شاخص موردنظر) ژاپن در میان ۲۶ کشور، پس از آمریکا و چین، با اختلاف زیادی در رتبه سوم قرار گرفته است که نشان‌دهنده این است که دولت کیشیدا



برای کم کردن فاصله خود با آمریکا و چین، راهبرد دفاعی و امنیتی خود را متحول کرده و نفوذش را در نقش یک قدرت بزرگ در آسیا، اقیانوس هند، و پاسیفیک، گسترده تر می کند.

نمودار شماره (۲). اندازه گیری شاخص های شبکه دفاعی، نفوذ دیپلماتیک، روابط اقتصادی، و نفوذ فرهنگی

**ECONOMIC RELATIONSHIPS**



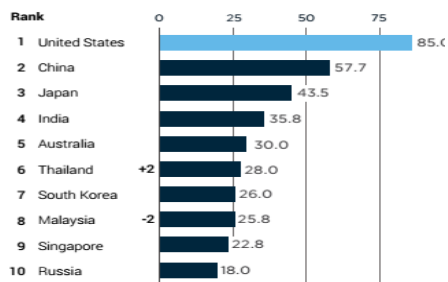
**DIPLOMATIC INFLUENCE**



**DEFENCE NETWORKS**



**CULTURAL INFLUENCE**



**SCORE TREND** Upward Downward No change  
\* Score trends reflect annual changes in measure scores above a minimum threshold (> 0.5)

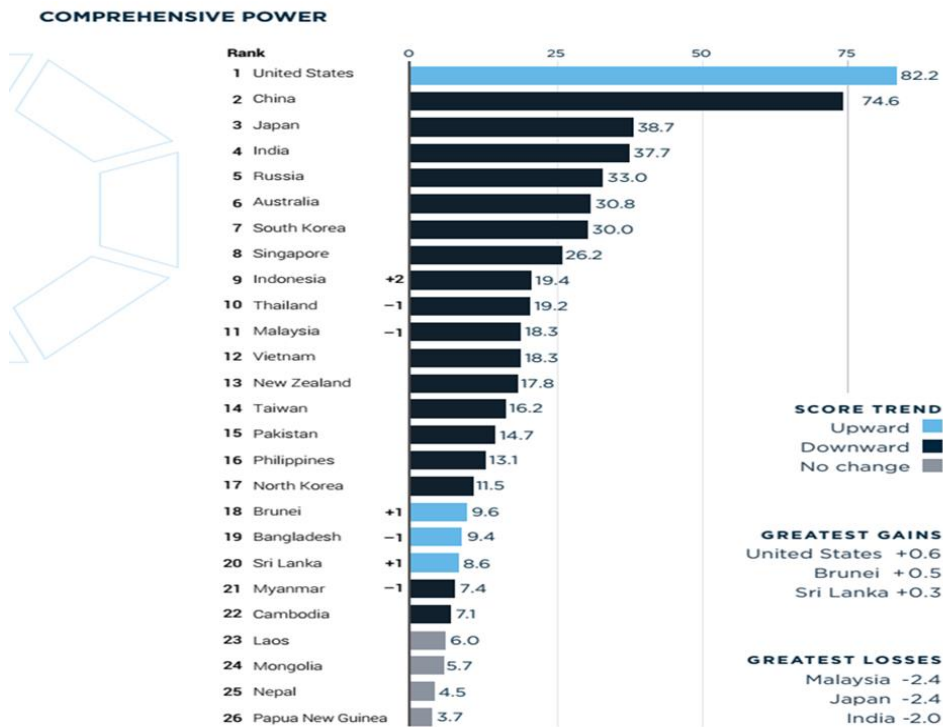
Source: Lowy Institute, 2021, 5

۴-۱. افزایش رقابت تسلیحاتی در محیط امنیتی شرق آسیا و تشدید نگرانی های امنیتی ژاپن  
 براساس دیدگاه واقع گرایان تهاجمی، از آنجا که امنیت و بقا هرگز در نظام بین الملل تأمین نمی شود، دولت ها خواهان دستیابی به بیشترین امنیت با افزایش قدرت نسبی خود هستند؛ اقدامی که سود آن از



هزینه‌اش بیشتر باشد. در این چارچوب، همان‌گونه که برتری نظامی برخی از کشورها (در مقایسه با دیگران) به معنای امنیت بیشتر آن‌ها خواهد بود، زمانی که کشورها با تهدیدات مشخصی روبه‌رو می‌شوند، برای افزایش قدرت نسبی خود، از ابزار توسعه‌طلبی و مسابقه تسلیحاتی استفاده می‌کنند (قاسمی، ۱۳۹۳، ۱۰۶). هزینه نظامی شرق آسیا در سال ۲۰۲۱، ۴۱۱ میلیارد دلار بود. پس از چین، ژاپن و کره جنوبی از بزرگ‌ترین هزینه‌کنندگان در حوزه نظامی در شرق آسیا هستند. مجموع هزینه‌های نظامی ژاپن در سال ۲۰۲۱ به ۵۴/۱ میلیارد دلار رسید. در نوامبر ۲۰۲۱، دولت ۷ میلیارد دلار اضافی به بودجه نظامی خود اختصاص داد که منجر به افزایش ۷/۳ درصدی هزینه‌های نظامی در طول سال و بالاترین نرخ رشد سالانه از سال ۱۹۷۲ شد. هزینه نظامی ژاپن برای نخستین بار از سال ۱۹۶۰ با اختصاص ۱/۱ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۱، از آستانه ۱ درصد تولید ناخالص داخلی فراتر رفت (Sipri, 2022, 7).

### نمودار شماره (۳). قدرت جامع کشورها در آسیا و اقیانوس هند و آرام (میانگین ۸ معیار)



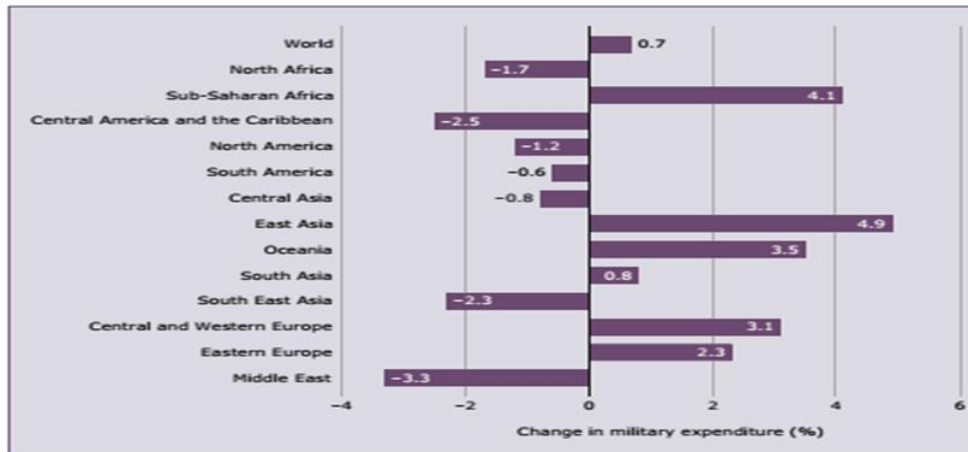
Source: Lowy Institute, 2021, 5

چین، پیوسته در حال افزایش هزینه‌های دفاعی و قدرت نظامی خود، از جمله قابلیت‌های هسته‌ای و موشکی، به گونه‌ای گسترده و سریع، بدون شفافیت کافی بوده است (JapanNSS, 2022, 8). این کشور به عنوان



دومین هزینه‌کننده بزرگ جهان، در سال ۲۰۲۱ حدود ۲۹۳ میلیارد دلار به ارتش خود اختصاص داد که ۴/۷ درصد نسبت به سال ۲۰۲۰ افزایش داشته است. هزینه‌های نظامی چین برای ۲۷ سال متوالی رشد داشته است. بودجه سال ۲۰۲۱ این کشور، نخستین بودجه براساس چهاردهمین برنامه پنج‌ساله بود که تا سال ۲۰۲۵ اجرا می‌شود (Sipri, 2022). هزینه‌های نظامی سالانه کره شمالی نیز بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۹، حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را به خود اختصاص داده است (The World Fact Book, 2022).

نمودار شماره (۴). افزایش هزینه تسلیحاتی در شرق آسیا



Source: SIPRI Military Expenditure Database, Apr. 2022

براین اساس، دولت‌ها به افزایش قدرت (به‌ویژه قدرت روبه‌رشد رقیب) حساس خواهند بود و ابزار آن‌ها برای محاسبه و مهار کشور هدف، تسلیحات و اتحاد و ائتلاف‌ها است؛ دولت‌ها با تولید یا خرید تسلیحات (توازن داخلی) و تشکیل اتحادهایی (موازنه بیرونی) که در خدمت تجمع قدرت نظامی متحدان هستند، انباشته‌های تهدیدکننده قدرت را متعادل می‌کنند؛ زیرا، «توازن قدرت» در درجه اول، به قدرت نسبی رقیب و مخالفان قدرت‌های بزرگ اشاره دارد (بی‌تردید این نظریه درباره قدرت‌های بزرگ به‌عنوان بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل است). برای تعیین نوع قابلیت‌ها و ارزیابی دقیق توازن قوا لازم است که عناصر زیر به‌دقت ارزیابی شوند:

۱. قابلیت‌های نظامی‌ای (ابزارهای تخریب) که هر یک از قدرت‌ها از آن برخوردارند و توانایی استفاده از آن‌ها را دارند؛

۲. ظرفیت سیاسی برای استخراج و به‌کارگیری آن قابلیت‌ها؛

۳. قابلیت و توانایی پیش‌بینی مطمئن تعهدات متحدان به اهداف مشترک و به‌کارگیری متحدان احتمالی؛



۴. ویژگی‌های اساسی جغرافیای سیاسی منازعه (پیامدهای نظامی و سیاسی روابط بین جغرافیای فیزیکی، قلمروهای دولتی، و قدرت دولتی) (Schweller, 2016, 5).

هرچند ژاپن در مؤلفه قدرت جامع، در رده سوم آسیا و اقیانوس هند و آرام قرار گرفته است، اما در نمودار قابلیت نظامی و تاب آوری (امنیت منابع) که دو شاخص از ۸ شاخص قدرت جامع به شمار می‌آیند، به لحاظ قابلیت نظامی، در جایگاه هفتم و در شاخص تاب آوری، در جایگاه نهم قرار دارد که نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب این کشور است؛ بنابراین، دولت کیشیدا در راستای بهبود قابلیت نظامی و به منظور حفظ توازن قدرت و عقب نماندن از رقبا، بر افزایش بودجه دفاعی و هزینه‌های تسلیحاتی تأکید می‌کند.

### جدول شماره (۲). قابلیت نظامی و تاب آوری

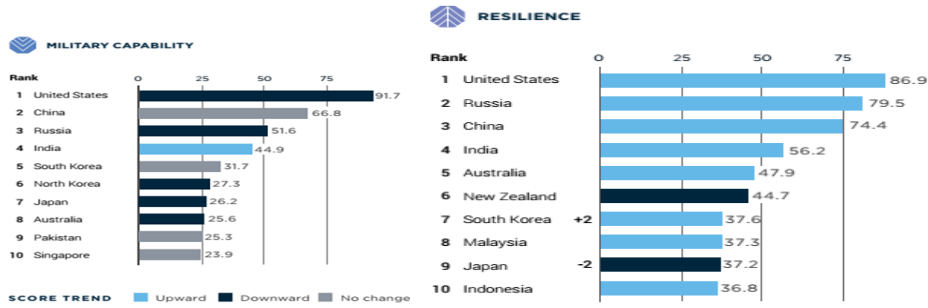
قابلیت‌های نظامی	تاب آوری
مخارج دفاعی: مخارج سالانه نیروها و فعالیت‌های نظامی. این زیرمعیار به منابع فعلی اختصاص داده شده به حفظ، تجدید، جایگزینی، و گسترش قابلیت‌های نظامی مربوط می‌شود که برحسب هزینه‌های نظامی با نرخ ارز بازار و نرخ‌های تخمینی PPP در بخش دفاعی اندازه‌گیری می‌شود.	بازدارندگی هسته‌ای: نیروهای هسته‌ای استراتژیک، نمایشی، و تاکتیکی که می‌توانند با تهدید به حمله اتمی تلافی‌جویانه برای بازدارندگی متجاوزان احتمالی به کار روند. این اقدام فرعی، برد تسلیحات هسته‌ای، پرتابگرهای موشک‌های هسته‌ای زمینی، و قابلیت‌های حمله دوم هسته‌ای را ارزیابی می‌کند.
تسلیحات و پلتفرم‌ها: موجودی یک کشور از تجهیزات و قابلیت‌های جنگ زمینی، دریایی، و هوایی. این مقیاس فرعی دربردارنده تعدادی شاخص برای سنجش توانایی‌ها در سه حوزه است و پیچیدگی سلاح‌ها و پلتفرم‌ها را ارزیابی می‌کند.	امنیت منابع و امنیت داخلی: دسترسی ایمن به انرژی و منابع حیاتی ضروری دیگر برای عملکرد مناسب اقتصاد یک کشور. این سنجه به وابستگی به واردات انرژی، سطوح خودکفایی انرژی، امنیت سوخت تصفیه‌شده، و تأمین فلزات کمیاب می‌پردازد.
قابلیت‌های مانور: قابلیت‌های نظامی که مزایای تاکتیکی و استراتژیک چشمگیر یا نامتقارنی را در جنگ به‌ارمغان می‌آورد و دربردارنده قابلیت‌های موشک‌های بالستیک، طرح‌ریزی نیروی دریایی دوربرد، شبکه‌های اطلاعاتی، و قابلیت‌های سایبری دفاعی و تهاجمی است.	امنیت ژئواکونومیک: توانایی دفاع در برابر اقدامات اقتصادی کشورهای دیگر بر منافع ژئوپلیتیکی و فعالیت اقتصادی یک کشور. این سنجه، تنوع بازارها و محصولات صادراتی و همچنین، سطوح وابستگی آن به شرکای تجاری اولیه و تجارت جهانی را بررسی می‌کند.
وضعیت نظامی آسیایی: توانایی نیروهای مسلح برای استقرار سریع و برای مدت طولانی در صورت وقوع درگیری بین‌دولتی در آسیا. این معیار فرعی، دربردارنده قضاوت‌های کیفی مبتنی بر کارشناسی درباره توانایی یک کشور برای درگیر شدن در یک رویارویی نظامی دریایی یا قاره‌ای در منطقه است.	امنیت ژئوپلیتیکی: عوامل ساختاری و سیاسی که خطر درگیری بین‌دولتی را به حداقل می‌رساند و امنیت سرزمینی یک کشور را افزایش می‌دهد. این مقیاس فرعی دربردارنده شاخص‌هایی مانند اندازه جمعیت نسبت به همسایگان و بازدارندگی جغرافیایی براساس خشکی و همچنین، ناسازگاری‌های مرزی فعال و میراث درگیری‌های بین‌دولتی با همسایگان است.

### نمودار شماره (۵). قابلیت نظامی و تاب آوری ژاپن



۵۴۲

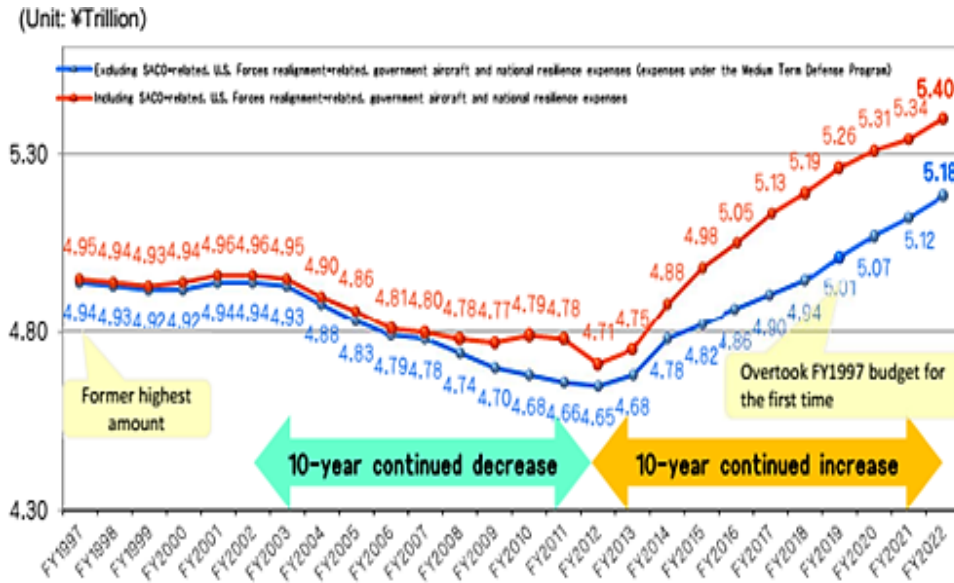
پژوهش‌نامه ایرانی  
سیاست بین‌الملل،  
سال ۱۲، شماره ۱، شماره  
پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان  
۱۴۰۲



Source: Lowy Institute, 2021, 19

وزارت دفاع ژاپن در واکنش به این مسابقه تسلیحاتی، ضمن اشاره به اینکه این کشور با سخت‌ترین وضعیت امنیتی پس از جنگ جهانی دوم روبه‌رو است و کشورهای همسایه به سرعت در حال تقویت توانایی‌های نظامی خود از طریق افزایش قابل توجه هزینه‌های دفاعی هستند، از افزایش چشمگیر قابلیت‌های دفاعی لازم برای پاسخ‌گویی به این تغییرات خبر داد. «نیروی دفاعی چندحوزه‌ای» مجهز به توانمندی اقدام در فضا، فضای سایبری و طیف الکترومغناطیسی، توانمندی در حوزه دریایی و هوایی، توانمندی‌های جامع دفاع هوایی و موشکی برای واکنش به تهدیدات گوناگون هوای، توان دفاعی مقابله، مانور و استقرار، قابلیت‌ها و مهمات ایمن و اطمینان از نگهداری تجهیزات برای بازدارندگی در وضعیت‌های پیچیده و جنگ‌های هیبریدی و ترکیبی، سبب افزایش توانمندی‌های دفاعی ژاپن می‌شود. افزون‌براین، ژاپن به منظور دستیابی به برتری فناوریانه امنیتی در حوزه دفاعی، برنامه تحقیق و توسعه در زمینه فناوری‌های بالقوه تغییردهنده بازی را افزایش داده و پایگاه صنعتی دفاعی را تقویت خواهد کرد؛ براین اساس، این کشور تصمیم گرفته است در سال مالی ۲۰۲۳، بودجه اولیه لازم را برای اجرای طرح‌های برنامه‌ریزی شده در مقیاسی بی‌سابقه افزایش دهد تا از سال مالی ۲۰۲۲ به افزایش قابلیت دفاعی خود سرعت ببخشد (Ministry of Defense, 2021, 1). نمودار شماره (۶) روند افزایشی بودجه نظامی ژاپن را در بازه زمانی ده سال پیش و پس از سال ۲۰۱۲ نشان می‌دهد که توسط وزارت دفاع ژاپن منتشر شده است.

نمودار شماره (۶). روند افزایش بودجه دفاعی ژاپن



Source: Ministry of Defense Japan, 2021, 3

با توجه به اینکه ژاپن قصد دارد بودجه نظامی خود را تا سال ۲۰۲۷ به ۳۲۰ تا ۳۵۰ میلیارد دلار برساند، هر ساله به طور تقریبی، ۶۵ تا ۷۰ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت و تا سال ۲۰۳۰ به رقم ۵۲۰ تا ۵۶۰ میلیارد دلار خواهد رسید. برآورد «مؤسسه لای» از بودجه دفاعی قدرت‌های بزرگ تا سال ۲۰۳۰ (با احتساب بودجه نظامی ژاپن) بیشتر بر قدرت‌های مهم شرق و جنوب آسیا و اقیانوس هند و آرام متمرکز است و ژاپن احتمالاً تا سال ۲۰۳۰ با کمی اختلاف با چین، سومین هزینه‌کننده بودجه دفاعی جهان و دومین هزینه‌کننده بودجه دفاعی آسیا خواهد بود. تحقق این شرایط، حاکی از این است که ژاپن بر آن است تا در عرصه قدرت جامع، فاصله چشمگیر خود با آمریکا و چین را کاهش دهد.

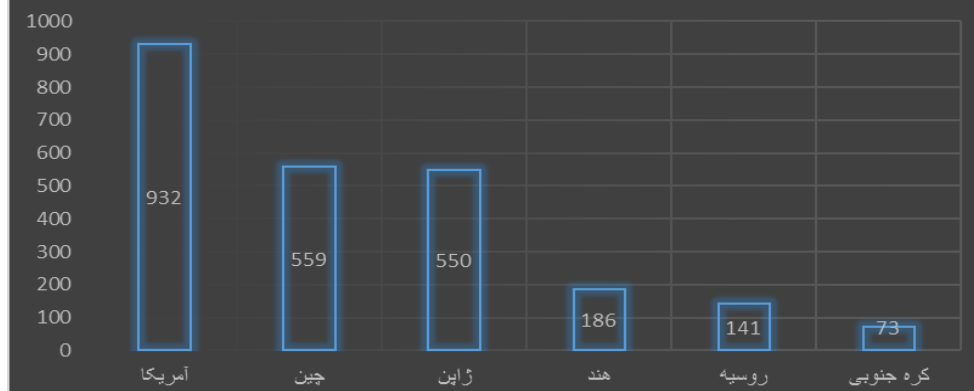
نمودار شماره (۷). بودجه دفاعی ژاپن تا سال ۲۰۳۰



۵۴۴

پژوهش‌نامه ایرانی  
سیاست بین‌الملل،  
سال ۱۲، شماره ۱، شماره  
پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان  
۱۴۰۲

### رند بودجه دفاعی کشورها تا سال ۲۰۳۰



Source: Lowy Institute, 2021

#### ۲-۴. ضرورت افزایش نفوذ در اقیانوس هند و پاسیفیک

بنا بر اظهارات فرید زکریا، تاریخ گواه است دولت‌ها در شرایطی که به گونه‌ای فزاینده ثروتمند می‌شوند، به ایجاد ارتش‌های بزرگ روی می‌آورند، خود را درگیر مسائل خارج از مرزهایشان می‌کنند و درصد افزایش نفوذ بین‌المللی خود برمی‌آیند. به بیان روشن‌تر، توانمندی‌های نسبی، تاحدزیادی به نیت‌های دولت‌ها شکل می‌دهند. هنگامی که دولتی قدرتمندتر می‌شود، می‌کوشد نفوذ خود را افزایش دهد و با پیشینه‌سازی آن، محیط بین‌المللی را کنترل کند؛ بنابراین، دولت‌ها در مواردی که تصمیم‌گیرندگان اصلی آن‌ها تصور کنند توانمندی نسبی کشور بیشتر شده است، راهبردهای تهاجمی را با هدف پیشینه‌سازی نفوذ دنبال خواهند کرد (مشیرزاده، ۱۳۸۴، ۱۳۱-۱۳۰). بر همین اساس، منطقه هند و اقیانوس آرام، کانون زیست جهانی است که بیش از نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده است. پویایی مسیرهای دریایی تقاطع اقیانوس آرام و هند، از عوامل مهم رشد اقتصاد جهانی به‌شمار می‌آیند. ژاپن، با قرار گرفتن در این منطقه، موقعیت مناسبی برای بهره‌مندی از این شرایط دارد. در عین حال، پویایی‌های منطقه‌ای اقیانوس آرام و هند با انبوهی از چالش‌های امنیتی روبه‌رو است؛ به‌عنوان مثال، چندین کشور این منطقه، دارای نیروهای نظامی بزرگ، از جمله سلاح‌های هسته‌ای هستند. قدرت‌های بزرگ منطقه، از قدرت‌های بزرگ جهانی نیز به‌شمار می‌آیند و در پویایی‌های برآمده از تداخل نظم جهانی و منطقه‌ای نقش آفرینی می‌کنند. به همین سبب، بخش دیگری از دکترین کیشیدا، افزایش نفوذ در این منطقه را در دستور کار خود قرار داده است. سند راهبرد دفاع ملی ژاپن در سال ۲۰۲۲ ضمن اشاره به تهدیدها و چالش‌هایی در انواع و با شدت‌های گوناگون، مانند تغییرات یکجانبه در وضع موجود و تلاش‌هایی از این دست در دریاهای شرق و



جنوب چین و مناطق دیگر، دزدی دریایی، تروریسم، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و بلاای طبیعی، به تغییر در موازنه قدرت جهانی اشاره کرده است که با رقابت‌های بین‌دولتی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، و نظامی در حال ظهور روبه‌رو است (Japan NSS, 2022, 7).

در سند یادشده ضمن اشاره به به‌چنین روندهایی به‌ویژه در منطقه هند و پاسیفیک، در وهله نخست، به اقدامات و تلاش‌های چین برای تغییر نظم موجود منطقه‌ای و برپایی نظم نوین امنیتی اشاره می‌کند. در مرحله بعد، تحرکات و اقدامات کره شمالی و روسیه و افزایش فعالیت‌های آن‌ها بیش از هر زمان دیگری، به‌عنوان دغدغه امنیتی ژاپن مطرح شده است. در این سند آمده است، ژاپن در صورت تقویت قابلیت دفاعی برای ایجاد اختلال و شکست تهاجم و پیشبرد این قابلیت به‌همراه متحد خود، یعنی ایالات متحده، نه تنها قادر به جلوگیری از حمله به ژاپن خواهد بود، بلکه می‌تواند از تلاش‌ها و اقدامات احتمالی برای تغییر یکجانبه وضع موجود منطقه‌ای نیز جلوگیری کند (Japan NDS, 2022, 4-10).

این مسئله، بیانگر اهمیت نقش ژاپن به‌عنوان دولت پاسدار منطقه‌ای و دولت پیرو نظم امنیتی امریکا است. شرکای ایالات متحده به‌همراه ژاپن، در حال تقویت قدرت بازدارندگی جمعی خود برای حمایت از تعادل نظامی هستند. با این حال، معضل امنیتی عمیق آسیا، خطر جدی جنگ را به‌همراه دارد (LowyInstitute, 2021, 3).

کیشیدا در نشست «شانگری لای» در سنگاپور، مفهوم هندوپاسیفیک را به‌عنوان یکی از پایه‌های دکترین خود مطرح کرد و اظهار داشت: «ژاپن به‌طور پیوسته و جدی از «چشم‌انداز آسه‌آن در هند و پاسیفیک» (AOIP) حمایت می‌کند» (Prime Minister Office of Japan, 2022).

در راهبرد هند و پاسیفیک کیشیدا، هزینه‌های دفاعی برای تقویت نیروی دریایی و هزینه‌های لازم برای شکل‌گیری ائتلاف دریایی اختصاص داده شده است. بخشی از برنامه تقویت نفوذ ژاپن در این دکترین، دربردارنده تقویت پیوندهای نهادی منطقه‌ای برای حفظ نظم موجود مطلوب منطقه‌ای است. در این راستا، کیشیدا در سخنرانی خود در آسه‌آن، از تعهد دولتش به اولویت دادن به این نهاد در سیاست خارجی خود، از جمله نقش روبه‌رشد ژاپن در هند و پاسیفیک، اطمینان خاطر داد. آسه‌آن مدت‌ها پیش از ژاپن خواسته است، نقش محوری‌تری در منطقه، به‌ویژه در دریای چین جنوبی ایفا کند. در گيرودار افزایش تنش‌ها بین ایالات متحده و چین، قابلیت نظامی ژاپن به‌لحاظ راهبردی، برای ده عضو آسه‌آن مفید خواهد بود تا رقابت فزاینده بین قدرت‌های جهانی در منطقه را متعادل کند (Purba, 2022).

افزایش قدرت نظامی چین در سه دهه گذشته، پرسش‌هایی را درباره وضعیت بازدارندگی در اقیانوس هند

و آرام، به‌ویژه در مورد توانایی‌های نظامی موردنیاز ژاپن و چگونگی تکامل بهترین راهبرد دفاعی ژاپن در چارچوب کلی اتحاد ایالات متحده و ژاپن ایجاد کرده است. اندیشمندان ژاپنی بر این نظرند که ژاپن باید در رویکرد سنتی خود به بازدارندگی و دفاع، که بر دفاع موشکی بالستیک متمرکز است، بازنگری کند و با توجه به توانایی در حال افزایش چین برای حمله به اهداف در غرب اقیانوس آرام، به‌گونه‌ای کیفی و نامتقارن، توانایی‌های دفاعی خود را با دستیابی به قابلیت‌های ضدحمله افزایش دهد و در نتیجه، توانایی بقا و کشتندگی نیروهای ژاپنی و آمریکایی را در منطقه بهبود بخشد (Mori and Others, 2021, 1-8).

#### ۳-۴. فشار آمریکا به ژاپن برای ایفای نقش امنیتی و دفاعی گسترده‌تر

دولت‌ها در پی ایجاد تعادل در داخل از طریق تقویت توانمندی‌های نظامی ملی و مستقل خود و در خارج، از طریق تجمیع توانمندی‌ها با اتحاد و ائتلاف هستند؛ حتی اگر این کار، در بردارنده خطرات ناشی از به‌دام انداختن و رها کردن تحمیل‌شده توسط متحد برتر باشد (Hughes, 2016, 117). در واقع گرایشی ته‌اجمی، قدرت‌هایی که به هژمونی دست می‌یابند، سعی می‌کنند از ظهور رقبا در منطقه خود و همچنین، قدرت‌های هژمون در مناطق دیگری که بر شرایط آن‌ها در نظام بین‌المللی جهانی تأثیر می‌گذارند یا ممکن است در حوزه نفوذشان مداخله کنند، جلوگیری کنند. قدرت‌های بزرگ می‌توانند برای جلوگیری از ظهور این رقبای هم‌تا از روش «موازنه از راه دور» استفاده کنند؛ سیاستی که واشنگتن برای ایجاد توازن علیه چین در آسیا و اقیانوسیه (به‌وسیله ژاپن) در پیش گرفته است، بر همین اساس است (JORDÁN, 2018, 135).

امروزه با توجه به روابط بسیار نزدیک ایالات متحده و ژاپن و به‌دلیل اینکه هنوز این کشور اصلی‌ترین شریک ژاپن در حوزه اقتصادی و امنیتی به‌شمار می‌آید، آمریکا تنها کشوری است که در تصمیم‌گیری‌های سیاسی ژاپن، اعمال نفوذ کرده و این کشور را وادار می‌کند که در صحنه‌های بین‌المللی سیاسی اعمال نفوذ کند و سیاست‌های همسو یا دست‌کم نزدیک به آمریکا را اتخاذ کند. از آنجا که اتحاد امنیتی ایالات متحده و ژاپن برای حفظ منافع هر دو کشور در آسیا اهمیت دارد، با پویایی‌های اخیر منطقه این ائتلاف را به انجام تعدیل‌های تاریخی، از جمله در نظر گرفتن نقش بیشتر برای ارتش ژاپن واداشته است (Cheng and Maizland, 2021).

از زمان پایان جنگ سرد، روابط توکیو با واشنگتن، مستحکم‌تر و روابط چین و ژاپن، بدتر شده است. پژوهشگران تأکید می‌کنند که ایالات متحده، فعالانه در تلاش است تا با تبدیل ژاپن به یک مرکز فعال قدرت و کانون قدرت نظامی، تلاش چین برای هژمونی را محدود کند (Fels, 2015, 548). بر همین اساس، آمریکا مدتی است که ژاپن را برای افزایش هزینه‌های دفاعی‌اش به‌منظور اجرای لایحه امنیتی مشترک در



منطقه آسیا و اقیانوسیه تحت فشار قرار داده است. دوبرابر شدن بودجه دفاعی ژاپن، این کشور را با شاخص‌های هزینه‌های نظامی کشورهای ناتو هماهنگ می‌کند و آن را به گونه‌ای فزاینده، به متحد واقعی (نه وابسته) ایالات متحده در منطقه تبدیل خواهد کرد. اقدام توکیو برای تقویت ارتش خود و تعمیق اتحاد، پرسش‌هایی را در مورد هویت امنیتی ژاپن ایجاد می‌کند و همچنین، سبب بروز نگرانی‌هایی در مورد گرفتار شدن در جنگ‌های نیابتی آمریکا و افزایش مشارکت اقتصادی در «مجتمع نظامی-صنعتی» ایالات متحده می‌شود؛ مجموعه‌ای که تقویت بخش دفاعی، هزینه‌های تسلیحاتی، و جنگ را تشویق می‌کند (Mason, 2022).

رویه فشارهای پیوسته ایالات متحده بر ژاپن برای افزایش هزینه‌های دفاعی، در ژاپن «گایاتسو» یا «فشار خارجی» نامیده می‌شود. اگرچه این رابطه کامل نیست، اما بسیار قوی است و این امکان را به ژاپن می‌دهد که سیاست دفاعی خود را در چارچوب حمایت ایالات متحده طراحی کند (Wright, 2022, 6). البته برخی تحلیلگران بر این نظرند که ژاپن، به‌عنوان سومین اقتصاد بزرگ جهان، می‌تواند با اعمال قدرت بازدارندگی خود، کمتر منتظر حمایت نظامی ایالات متحده باشد و بیشتر به یک شریک برابر تبدیل شود. این توانمندی‌ها همچنین می‌تواند به تحقق خواسته رهبران آمریکا برای ژاپن کمک کند تا به‌عنوان یک ضدنظامی قوی‌تر در برابر چین ظاهر شود؛ زیرا، پکن از نیروهای مسلح خود که به‌سرعت در حال پیشرفت هستند، برای تهدید حمله به تایوان از طریق آب‌های سرزمینی ژاپن استفاده می‌کند (Hida and rich, 2022).

#### ۴-۴. ظهور چین به‌عنوان هژمون بالقوه

کشورهایی که به هژمونی دست می‌یابند، به این شرایط بسنده نمی‌کنند و درصدد جلوگیری از ظهور رقبای خود برمی‌آیند. به‌بیان روشن‌تر، تلاش می‌کنند توازن قدرت را میان دست‌کم دو قدرت بزرگ در یک منطقه مجاور حفظ کنند؛ به‌گونه‌ای که توجه و انرژی این قدرت‌ها، صرف دفاع از نیروهای قدرتمندی شود که در مقابل هم قرار دارند (Snyder, 2002, 152). بر همین اساس، رقابت چین و ژاپن برای کسب هژمونی منطقه‌ای قابل‌درک است. ژاپن، خواهان کاهش فاصله خود با رقیب اصلی‌اش، یعنی چین است.

چین، به‌عنوان دومین هزینه‌کننده بزرگ نظامی جهان، در سال ۲۰۲۱ حدود ۲۹۳ میلیارد دلار به ارتش خود

اختصاص داد که ۴/۷ درصد، نسبت به سال ۲۰۲۰ افزایش داشته است. هزینه‌های نظامی چین برای ۲۷ سال پی‌درپی رشد داشته است (Sipri, 2022b). بودجه دفاع ملی اعلام‌شده این کشور برای نخستین بار از هزینه‌های دفاعی ژاپن در سال مالی ۱۹۹۸ فراتر رفته و از آن زمان با افزایش صعودی به حدود ۴/۸ برابر هزینه‌های دفاعی ژاپن در سال مالی ۲۰۲۲ رسیده است (Japan NDS, 2022, 5-6).

از شواهد و اسناد دفاع ملی ژاپن چنین برمی‌آید که در میان چالش‌هایی که این کشور با آن روبه‌رو است، چین، در جایگاهی بالاتر از کره شمالی و روسیه قرار دارد. چین در حال اجرای برنامه نوسازی نظامی گسترده و افزایش فشار دریایی بر ژاپن در دریای چین شرقی، از طریق حضور تقریباً همیشگی در این آب‌ها، است. حضور کشتی‌های گارد ساحلی چین در آب‌های اطراف جزایر سنکاکو (از جزایر مورد مناقشه دو کشور) و تمرین‌های نظامی آن در اطراف تایوان در ماه اوت (که شامل پرتاب موشک‌های بالستیک در منطقه انحصاری اقتصادی ژاپن نیز می‌شود)، بیانگر این است که درگیری در تنگه تایوان، به‌طور مستقیم، بر امنیت ژاپن تأثیر خواهد گذاشت (Johnstone, 2022). در سند راهبرد دفاعی ژاپن در سال ۲۰۲۱، برای نخستین بار بر اهمیت حفظ ثبات در سراسر تنگه تایوان برای امنیت ژاپن تأکید شده است. بایدن و سوگا با انتشار بیانیه مشترکی، از رفتار چین در قبال تایوان، ابراز نگرانی کردند و مقامات دفاعی ژاپن از نخست‌وزیر خواستند که در صورت وقوع جنگ، از تایوان دفاع کند. در مارس ۲۰۲۱، وزیر دفاع آمریکا و وزیر دفاع ژاپن توافق کردند که واشنگتن و توکیو در هرگونه درگیری در تایوان با یکدیگر همکاری کنند (Cheng and Maizland, 2021). ژاپن در حال حاضر، یکی از اعضای «گروه چهارگانه» است که اعضای دیگر آن عبارتند از: استرالیا، هند، و ایالات متحده؛ گروهی راهبردی که عده‌ای دلیل تشکیل آن را مقابله با نفوذ فزاینده چین دانسته‌اند (Buddhavarapu, 2022).

سیاست‌گذاران ژاپنی با توجه به افزایش دوبرابری بودجه و برنامه‌های نوسازی نظامی چین، در برآوردهای خود از توانمندی‌های نظامی چین در دوره پس از جنگ سرد، بر عدم شفافیت آرایش دفاعی چین تأکید می‌کنند که در نتیجه، بر دشواری پی بردن به نیت آن می‌افزاید؛ اما آنچه به نظر آنان آشکار است، عزم چین برای به‌دست آوردن قابلیت‌هایی است که منافع اصلی امنیتی ژاپن را تهدید می‌کند. در کنار تقویت قابلیت‌های نظامی برای ایستادن در خط مقدم نظامی در برابر و در نزدیکی چین، موازنه نرم ژاپن با چین در تلاش‌های گسترده دیپلماتیک جدیدی آشکار است که در پی پیچیده کردن و در صورت امکان، جلوگیری از افزایش نفوذ چین در شرق آسیا و مناطق دیگر است. ژاپن تلاش کرده است اعتبار بین‌المللی خود را اغلب در تضاد عمدی با چین، تقویت کند و مانع تقویت هژمونی بالقوه رقیب خود شود. توانایی







ژاپنی‌ها ممکن است در حمله احتمالی به سرزمین اصلی چین و سایت‌های پرتاب موشک استفاده شود؛ بنابراین، نشانه انحرافی بنیادین در وضعیت دفاعی ژاپن است. سیاست‌گذاران ژاپنی استدلال کرده‌اند که افزایش بودجه دفاعی ژاپن، با توجه به بودجه‌های راکد این کشور برای تقریباً دو دهه و افزایش سریع هزینه‌های نظامی چین، هنوز اندک است. اما تمایل ژاپن به افزایش هزینه‌های دفاعی، آشکارا ناشی از انگیزه روبه‌رشد برای ایجاد تعادل نظامی در برابر چین است (Hougs, 2016, 136-144). در مقابل، چین نیز ژاپن و آمریکا را دشمنان بالقوه خود به‌شمار می‌آورد. رهبران چین، نگران هستند که روزی ژاپن، روحیه‌ای نظامی همانند سال‌های پیش از ۱۹۴۵ پیدا کند. به‌همین دلیل، می‌توان دریافت که اتحاد آمریکا با کشورهای آسیایی، به‌ویژه ژاپن، تهدید و چالش جدی و بلندمدتی در برابر امنیت ملی، اتحاد ملی، و فرایند مدرنیزه‌سازی چین است.

#### ۴-۵. تهدیدات هسته‌ای و موشکی کره شمالی

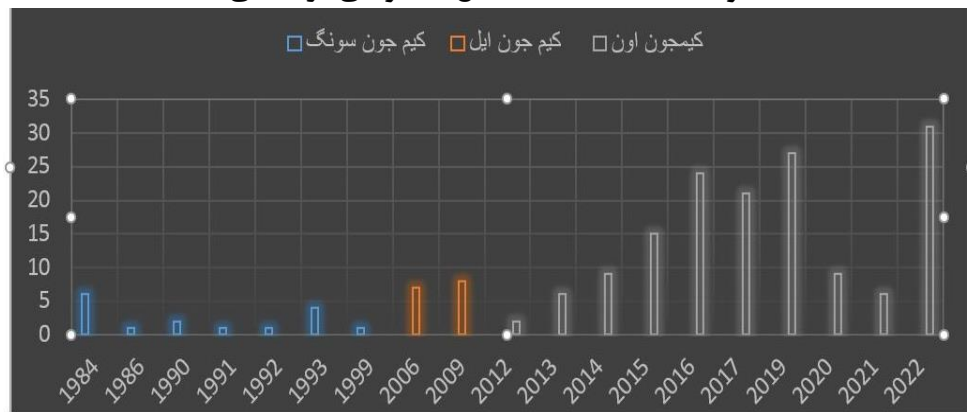
در ارزیابی محیط امنیتی اثرگذار بر دکترین کیشیدا، تهدیدات برآمده از قدرت‌گیری کره شمالی نیز اهمیت فزاینده‌ای دارد. اینکه در واقع‌گرایی تهاجمی بر نارضایتی دولت‌ها از وضع موجود و گرایش به پیشینه‌سازی قدرت، سبب برخورد انگیزه‌های قدرت با هم می‌شود (Snyder, 2002, 153)، بر ادراک ژاپن از تهدیدات ناشی از کره شمالی اثرگذار بوده است. کره شمالی، دارای چهارمین ارتش بزرگ جهان، با بیش از ۱/۲ میلیون نیرو است و گمان می‌رود که دارای سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی باشد. برپایه برآوردهای تحلیلگران، کره شمالی می‌تواند مواد لازم برای بیش از صد سلاح هسته‌ای را در اختیار داشته باشد (Council on Foreign Relations, 2022, 1).

ژاپن به‌عنوان تنها کشوری که تاکنون در جنگ، دچار بمباران اتمی شده است، آسیب‌های استفاده از تسلیحات هسته‌ای را به بهترین شکل درک می‌کند و خواهان «جهانی‌سازی عاری از سلاح‌های هسته‌ای» است. موضوع انتقال، تکثیر، و بهبود عملکرد تسلیحات کشتار جمعی، از جمله سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیکی، و شیمیایی، ابزارهای حمل‌ونقل آن‌ها مانند موشک‌های بالستیک، به‌ویژه، موضوع توسعه هسته‌ای و موشکی کره شمالی، همچنان تهدیدهای اصلی برای ژاپن و جامعه بین‌المللی به‌شمار می‌آیند؛ به‌ویژه توسعه موشک‌های بالستیک کره شمالی با بردی که سرزمین اصلی آمریکا را پوشش می‌دهند، سبب تشدید تهدید امنیتی برای ژاپن شده است (Japan NSS, 2013, 7-11). دولت آبه و جانشین آن، دولت یوشیهیده سوگا، اظهار داشته‌اند که ژاپن به قابلیت حمله به پایگاه دشمن در صورت آمادگی برای پرتاب موشک به سرزمین ژاپن، نیاز دارد، یا لازم است که از توان ضربه دوم، پیش از اینکه دشمن بتواند موشک‌های

بیشتری را پرتاب کند، برخوردار باشد (Hornung, 2021, 22).

به نظر کره شمالی نیز ژاپن از بزرگ‌ترین قابلیت‌های نظامی خود پس از جنگ جهانی دوم رونمایی کرده است و راهبرد امنیتی ژاپن را سیاست تهاجمی جدیدی می‌داند که سبب تغییر بنیادین در محیط امنیتی شرق آسیا خواهد شد (Nikkei Asia, 2022). کره شمالی در واکنش به این شرایط، قصد دارد توانایی‌های هسته‌ای خود را، هم به لحاظ کیفی و هم به لحاظ کمی، با بیشترین سرعت، تقویت کند. به لحاظ فناوری، کره شمالی در حال حاضر از توانایی حمله به ژاپن با موشک بالستیک مجهز به کلاهک هسته‌ای برخوردار است و به سرعت در حال بهبود فناوری‌های مرتبط و قابلیت‌های عملیاتی خود با متنوع‌سازی شیوه‌های پرتاب است. این گونه فعالیت‌های نظامی کره شمالی، تهدیدی جدی‌تر و زود هنگام‌تر برای امنیت ملی ژاپن (بیش از هر زمان دیگری) است (Japan NDS, 2022, 7). نمودار شماره (۸) افزایش تعداد آزمایش‌های موشکی کره شمالی را در سال‌های اخیر نشان می‌دهد.

نمودار شماره (۸). تعداد آزمایش‌های موشکی کره شمالی



Source: Council on Foreign Relations, 2022, 3

#### ۴-۶. حمله روسیه به اوکراین

نگرانی‌های ژاپن در مورد بسنده بودن قابلیت‌های نظامی موجود آمریکا برای کنترل مشکلات جهانی و امکان مداخله در صحنه شرق آسیا، ابهام‌هایی را در مورد تأثیر این امر بر تضمین‌های امنیتی، سیاسی، و نظامی گسترده‌تر آمریکا برای ژاپن مطرح کرده است (Huges, 2016, 136). پس از پیوستن توکیو به گروه هفت، به منظور اعمال تحریم‌ها علیه مسکو پس از حمله به اوکراین، روسیه، ژاپن را کشوری «غیردوست» خواند و فعالیت‌های نظامی خود را در نزدیکی ژاپن افزایش داد (Johnstone, 2022). حمله روسیه به اوکراین، اعتماد رهبران آسیایی به آمریکا را کاهش داده است (Fodale, 2022). اکنون که حمله



روسیه به اوکراین، مفروضات امنیتی دیرینه را به چالش کشیده، ژاپن شروع به اتکای بیشتر به خود کرده است؛ تغییری که می‌تواند بی‌سروصدا توازن قدرت را در آسیا تغییر دهد (Hida and rich, 2022).  
حمله روسیه به اوکراین، نگرانی‌هایی را در ژاپن در مورد پیامدهای امنیتی آن برای آسیا ایجاد کرده است. بحران اوکراین، تنها یک بعد از محیط امنیتی پیچیده است؛ زیرا، ژاپن تهدیدهای کره شمالی و چین را نیز مدیریت می‌کند. تجاوز روسیه به اوکراین و اقدامات دیگر آن آشکارا نشان می‌دهد که این کشور در مورد توسل به نیروهای نظامی برای دستیابی به اهداف امنیتی خود تردیدی ندارد. افزون‌براین، روسیه بارها بحث‌هایی را مطرح کرده و اقداماتی را انجام داده است که می‌تواند به‌عنوان تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای تعبیر شود. روسیه در حال سرعت بخشیدن به فعالیت‌های نظامی خود در همسایگی ژاپن است. این کشور همچنین، در حال تقویت تسلیحات خود در سرزمین‌های شمالی است که بخشی از سرزمین ژاپن به‌شمار می‌آید و در عین حال، هماهنگی راهبردی خود با چین را دوچندان کرده است. به‌ویژه در سال‌های اخیر، این دو کشور با ادامه رزمایش‌های مشترک، از جمله ناوبری مشترک توسط شناورهای دریایی و پروازهای مشترک بمب‌افکن‌هایشان در نزدیکی ژاپن، هماهنگی‌های نظامی خود را افزایش داده‌اند (JapanNSS, 2022, 10).

این‌گونه فعالیت‌های نظامی در منطقه هند-اقیانوس آرام از منظر دفاعی برای ژاپن نگران‌کننده است. ژاپن، نگران این است که حمله به اوکراین، که نوعی تغییر یکجانبه در وضعیت موجود با زور به‌شمار می‌آید و این بار در اروپا اتفاق افتاده است، در منطقه هند و اقیانوس آرام نیز رخ دهد (JapanNDS, 2022, 7-8).  
به‌همین دلیل، توکیو به‌شدت از بسته‌تحریم‌های تنبیهی دولت بایدن علیه روسیه و افزایش کمک به اوکراین حمایت می‌کند که می‌تواند توجیهی برای مواردی باشد که به‌ظاهر نقض ماده ۹ به‌شمار می‌آید (Mason, 2022).

### نتیجه‌گیری

ژاپن در جسورانه‌ترین انحراف از موضع صلح‌طلبانه خود که در پایان جنگ جهانی دوم اتخاذ کرد، تقویت نظامی تاریخی را آغاز کرده است. بر همین اساس، در سال‌های اخیر، محیط امنیتی این کشور به‌طور پیوسته

۱. اختلاف حاکمیتی بر جزایر اتوروفو، کوناشیری؛ شیکوتان، و هابومای که در ژاپن به‌عنوان «سرزمین‌های شمالی» و در روسیه به‌عنوان «جزایر کوریل جنوبی» شناخته می‌شوند و توسط اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۴۵ اشغال شد. این منطقه اکنون توسط روسیه اداره می‌شود و ژاپن ادعای حق حاکمیت بر آن را دارد.

بی‌ثبات‌تر شده است؛ زیرا، توانایی‌های نظامی همسایگانش افزایش یافته و رویکردی تهاجمی‌تر داشته‌اند. سه جبهه راهبردی ژاپن، یعنی چین، کره شمالی، و روسیه همگی به توانایی‌های دفاعی و الزامات موقعیتی متفاوتی نیاز دارند. حمله روسیه به اوکراین نشان داد که ژاپن تنها نمی‌تواند به قابلیت نظامی و نقش امنیتی آمریکا در منطقه متکی باشد. بر همین اساس و بر پایه دکترین فومیو کیشیدا، ژاپن به قدرت بزرگی تبدیل می‌شود که باید نقش فعال‌تری در سیاست جهانی ایفا کند تا بتواند بحران‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای و جهانی را مدیریت کند؛ بنابراین، سیاست خارجی ژاپن در دوره کیشیدا بیشتر جهانی است تا منطقه‌ای. نمودار قدرت جامع و نمودار افزایش بودجه به همراه اقتصاد پیشرفته و فناوری سطح بالای ژاپن نشان می‌دهد که این کشور از ظرفیت و قابلیت لازم برای به چالش کشیدن چین و کنشگران بالقوه برخوردار است. نکته مهم در دکترین کیشیدا این است که ژاپن از یک قدرت دفاعی صرف به یک قدرت تهاجمی تبدیل می‌شود که توان رقابت با قدرت‌های بزرگ را به دست می‌آورد. بر همین اساس، شاهد حرکت ژاپن از راهبرد مصون‌سازی و انفعال، به سوی موازنه هستیم؛ البته باید توجه داشته باشیم که این حرکت به سوی موازنه قدرت، هنوز کامل و برگشت‌ناپذیر نیست و در راهبرد کلان ملی ژاپن گنجانده نشده است و واژگان و اصول به کاررفته در دکترین کیشیدا، ترکیبی از راهبرد مصون‌سازی و موازنه اولیه سخت قدرت را نشان می‌دهد. به بیان روشن‌تر، نوسان بین دکترین یوشیدا و دکترین کیشیدا مشاهده می‌شود. به همین دلیل، نظریه واقع‌گرایی تدافعی، توان تبیین تحولات اخیر در راهبرد سیاسی امنیتی ژاپن را ندارد و واقع‌گرایی تهاجمی، هر چند با احتیاط، توان تبیین مناسب‌تری دارد.

نکته دیگر این است که افزایش بودجه دفاعی ژاپن و تغییر در راهبرد دفاعی امنیتی آن، به دلیل افزایش پیچیدگی محیط امنیتی منطقه و افزایش پیش‌بینی‌ناپذیری جهت‌گیری رفتاری بازیگران کلیدی منطقه، به دلیل بروز رفتارهای غیرخطی ناشی از این تغییرات دفاعی امنیتی، ممکن است سبب افزایش رقابت تسلیحاتی بی‌امان و تشدید بی‌ثباتی در شرق آسیا شود و بیش از هر چیز، خطر جنگ در منطقه را افزایش دهد؛ به ویژه اینکه در دکترین کیشیدا، موضوع حمله پیش‌دستانه نیز در نظر گرفته شده است. بر این اساس، چرخش ژاپن به سوی موازنه قدرت، به جای اینکه سبب توازن در برابر چین و بخشی از شبکه‌سازی آمریکا در برابر چین و کمک به ثبات در منطقه شود، به دلیل عدم قطعیت و پیش‌بینی‌ناپذیری نتایج تشدید رفتارهای موازنه‌گرانه ژاپن (که برآمده از ترس از چین، بی‌اعتمادی به ایالات متحده، و تمایل به ابراز غرور و استقلال ملی است) ممکن است به بی‌ثباتی و تشدید درگیری‌ها و رقابت قدرت‌های بزرگ در منطقه دامن بزند. افزون‌براین، برآوردهای آمریکا نیز نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۲۷، درگیری بین تایوان و چین



گریزناپذیر است. این درحالی است که در دکترین کیشیدا، امنیت تایوان با امنیت ژاپن گره خورده است و هرگونه حمله چین به تایوان، منجر به درگیری میان چین و ژاپن می شود. افزون براین، ژاپن نمی تواند به امنیت شبه جزیره کره بی توجه باشد؛ درحالی که ممکن است در آن، درگیری بین کره جنوبی و کره شمالی (حتی حمله به ژاپن) رخ دهد و ژاپن، ناگزیر است عهده دار نقش فعال نظامی در این منطقه باشد. از دیدگاه ژاپن، نقش نظامی و امنیتی فعال در منطقه و جهان می تواند نظم موجود بین المللی لیبرال را پایدار نگه دارد.

## References

- Ali Ahmadi, A. & Saeedehai, V. (2007). *A Comprehensive Description of Research Methods*. Tehran: Tolid Danesh Press [in persian].
- Arfi, B. (2006). Linguistic Fuzzy-Logic Game Theory. *Journal of Conflict Resolution*, 50(1), 28-57.
- Berkofsky, A. (2009). Japan's Security and Defence Policy: The More Things Change, *SIPRI*. 28 May. Available at: <https://www.sipri.org/commentary/essay/thu-05-28-2009-14-00/japan-s-security-and-defence-policy-more-things-change>.
- Buddhavarapu, R. (2022). Jolted by the Ukraine War and China's Aggression, Japan Looks to Boost its Defense Capability, *CNBC*, MON, JUN 20. Available at: <https://www.cnbc.com/2022/06/17/japan-to-boost-its-defense-capability-amid-ukraine-war-china-aggression.html>.
- Council on Foreign Relations. (2022). *North Korea's Military Capabilities*, June 28. Available at: <https://www.cfr.org/background/north-korea-nuclear-weapons-missile-tests-military-capabilities>.
- Cairney, P. (2012). Complexity Theory in Political Science and Public Policy. *Political Studies Review*, 10(3), 346-358.
- Envall, H. D. P. (2019). The 'Abe Doctrine': Japan's New Regional Realism. *International Relations of the Asia-Pacific*, 0,1-29. doi: 10.1093/irap/lcy014.
- Fels, E. (2017). *Shifting Power in Asia-Pacific? The Rise of China, Sino-US Competition and Regional Middle Power Allegiance*. Switzerland: © Springer International Publishing.
- Farhadi, Z. (2019). *Development in Japan's Security Defense Strategy*. Tehran: Abrar Moaser Press [in persian].
- Fodale, H. (2022). Asia Forecast: Key Trends in 2022. *CSIS*, February 7. Available at: <https://www.csis.org/analysis/asia-forecast-key-trends-2022>.
- Fraioli, P. (2023). Japan's new national-security and defence strategies. *The International Institute for Strategic Studies*. 29(01), January 2023. Available at: <https://www.iiss.org/~publication/7acf9540-96b0-4b92-9747-30803f938513/japans-new-national-security-and-defence-strategies.pdf>
- Friman, H. R., Katzenstein, P. J., Leheny, D., & Okawara, N. (2008). Immovable Object? Japan's Security Policy in East Asia. In *Rethinking Japanese Security* (pp. 147-168). Routledge.
- Fulton, J. (2022). Systemic Change and Regional Orders: Asian Responses to a Gulf in Transition. *The International Spectator*, 57(4), 1-19.



- Green, M. J. & Self, B. L. (1996). Japan's Changing China Policy: From Commercial Liberalism to Reluctant Realism. *Survival*, 38(2), 35-58.
- Green, M. (2001). Japan's Reluctant Realism: Foreign Policy Challenges in an Era of Uncertain Power. *Springer*.
- Ghasemi, F. (2015). *Introduction to International Relations*. Tehran: Mizan Press. [in persian].
- Hughes, C. W. (2012). The Democratic Party of Japan's New (but Failing) Grand Security Strategy: From "Reluctant Realism" to "Resentful Realism"? *The Journal of Japanese Studies*, 109-140.
- Hamilton, E. J., & Rathbun, B. C. (2013). Scarce Differences: Toward a Material and Systemic Foundation for Offensive and Defensive Realism. *Security Studies*, 22(3), 436-465.
- Hughes, C. W. (2016). Japan's 'Resentful Realism' and Balancing China's Rise. *The Chinese Journal of International Politics*, 9(2), 109-150
- Hafez Nia, M. R. (2012), *An Introduction to Research Methodology in Humanities*. Samt Tehran. [in persian].
- Hornung, W. J. & Harolds, c. W. (2021). *Japan's Potential Acquisition of Ground-Launched Land-Attack Missiles: Implications for the U.S.-Japanese Alliance*, The RAND Corporation, September 9. Available at: <https://www.rand.org/blog/2021/09/japans-potential-acquisition-of-ground-launched-land.html>.
- Hornung, J. W. (2021). Japanese Strike Capabilities and the U.S.-Japan Alliance, Chapter Three as: Japan's Possible Acquisition of Long-Range Land-Attack Missiles and the Implications for the U.S.-Japan Alliance, *The RAND Corporation*, February Conference. Available at: [file:///C:/Users/z36/Desktop/DA%98%D8%A7%D9%BE%D9%86/RAND\\_CFA1310-2.pdf](file:///C:/Users/z36/Desktop/DA%98%D8%A7%D9%BE%D9%86/RAND_CFA1310-2.pdf).
- Hughes, C. W. (2016). Japan's 'Resentful Realism' and Balancing China's Rise. *The Chinese Journal of International Politics*, 9(2), 109-150. Published by Oxford University Press.
- Izumikawa, Y. (2010). Explaining Japanese Antimilitarism: Normative and Realist Constraints on Japan's Security Policy. *International Security*, 35(2), 123-160.
- Jain, P. (2022). Despite Shifts, Japan's Defence and Security Policy Remains on Pacifist Ground. Observer Research Foundation (ORF), ISSUE NO. 530, MARCH 2022. Available at: [https://www.orfonline.org/wp-content/uploads/2022/03/ORF\\_IssueBrief\\_530\\_Japan-Defence.pdf](https://www.orfonline.org/wp-content/uploads/2022/03/ORF_IssueBrief_530_Japan-Defence.pdf).
- Johnstone, C. B. (2022). *Japan's Transformational National Security Strategy*. Center for Strategic and International Studies (csis), December 8. Available at: <https://www.csis.org/analysis/japans-transformational-national-security-strategy>
- JORDÁN, J. (2018). El Conflicto Internacional en La Zona Gris: Una Propuesta Teórica Desde la Perspectiva del Realismo Ofensivo. *Revista Española de Ciencia Política*, (48), 129-151.
- Japan's National Security Strategy. (2022). Japan Ministry of Defense. December. Available at: [https://www.mod.go.jp/j/approach/agenda/guideline/pdf/security\\_strategy\\_en.pdf](https://www.mod.go.jp/j/approach/agenda/guideline/pdf/security_strategy_en.pdf).
- Japan's National Defense Strategy (2022). Japan Ministry of Defense, December 16. Available at: [https://www.mod.go.jp/j/approach/agenda/guideline/strategy/pdf/strategy\\_en.pdf](https://www.mod.go.jp/j/approach/agenda/guideline/strategy/pdf/strategy_en.pdf).

- Japan Ministry of Defense. (2021). Defense Programs and Budget of Japan: Defense-Strengthening Acceleration Package. Published by: Finance Division, Minister's Secretariat, Defense Planning and Programming Division, Bureau of Defense Buildup Planning, Equipment Policy Division, Acquisition, Technology & Logistics Agency, the Ministry of Defense. December 2021. Available at: [https://www.mod.go.jp/en/d\\_act/d\\_budget/pdf/20220420.pdf](https://www.mod.go.jp/en/d_act/d_budget/pdf/20220420.pdf).
- Kiely, E. (2019). Trump on 'Unfair' U.S.-Japan Security Treaty. *Factcheck Posts*, July 2. Available at: [https://www.factcheck.org/2019/07/trump-on-unfair-u-s-japan-security-treaty/?gclid=CjwKCAiAy\\_CcBhBeEiwAcoMRHEoouefsVW6aPL3mJo4d8IPuZvtVEzp3LxaeWcyQ\\_79QDLQIIN546hoCjnoQAvD\\_BwE](https://www.factcheck.org/2019/07/trump-on-unfair-u-s-japan-security-treaty/?gclid=CjwKCAiAy_CcBhBeEiwAcoMRHEoouefsVW6aPL3mJo4d8IPuZvtVEzp3LxaeWcyQ_79QDLQIIN546hoCjnoQAvD_BwE)
- Lowy Institute Asia Power. (2021). Military Expenditure Forecast 2030: Estimated Military Expenditure Forecast at Defence Sector Purchasing Power Parity, *Constant 2021 Prices* (2030). Available at: <https://power.lowyinstitute.org/data/future-resources/defence-resources-2030/military-expenditure-forecast-2030/>
- Lowy Institute Asia Power. (2021). Asia Power Index: Key Findings 2021. Sydney: Published by Lowy Institute. Available at: <https://power.lowyinstitute.org/downloads/lowy-institute-2021-asia-power-index-key-findings-report.pdf>
- Lobell, S. E. (2010). *Structural Realism/Offensive and Defensive Realism*. In Oxford Research Encyclopedia of International Studies.
- Langel, T. (2022). Significance of Japan's New National Security Strategy 2022. *India Council of World Affairs*. Available at: [https://www.icwa.in/show\\_content.php?lang=1&level=3&ls\\_id=8770&lid=5733](https://www.icwa.in/show_content.php?lang=1&level=3&ls_id=8770&lid=5733).
- Lande, E. (2018). Between Offensive and Defensive Realism—the Japanese Abe Government's Security Policy Toward China. *Asian Security*, 14(2), 172-192.
- Lind, J. M. (2004). Pacifism or Passing the Buck? Testing Theories of Japanese Security Policy. *International Security*, 29(1), 92-121.
- Mearsheimer, J. (2009). *The Tragedy of Great Power Politics*. Translation: Gholamali Cheginizadeh. Tehran: The Ministry of Foreign Affairs Press. [in persian].
- Moin, M. (2003). *Strategic Assessment of Japan (Territorial, Political)*. Tehran: Abrar Moaser Press. [in Persian]
- Moshirzadeh, H. (2009). *Development in International Relations Theories*. Tehran: Samt Press. [in Persian].
- Mohabali, Q. (2009). Development in Japan's National Security Strategy. *Foreign Policy Quarterly*, 23(1), 201 – 222 [in Persian].
- Ministry of Defense. (2021). Defense Programs and Budget of Japan Overview of FY2021 Budget. *SIPRI*. Available at: [https://www.sipri.org/sites/default/files/2022-09/20210000\\_mod-jap\\_defense\\_programs\\_and\\_budget\\_fy2021.pdf](https://www.sipri.org/sites/default/files/2022-09/20210000_mod-jap_defense_programs_and_budget_fy2021.pdf)
- Mori, S. & et al., (2021). The Case for Japan Acquiring Counterstrike Capabilities: Limited Offensive Operations for a Defensive Strategy, Chapter Two as: Japan's Possible Acquisition of Long-Range Land-Attack Missiles and the Implications for the U.S.-Japan Alliance. *The RAND Corporation*, February. Available at: [https://www.rand.org/pubs/conf\\_proceedings/CFA1310-2.html](https://www.rand.org/pubs/conf_proceedings/CFA1310-2.html)
- Maizland, L. & Cheng, N. (2021). The U.S.-Japan Security Alliance. *Council on Foreign Relations*, No.4. Available at: <https://www.cfr.org/background/us-japan-security-alliance>.
- Mason, R. (2022). Japan's Doubling of its Defence Budget Will Make the World a More Dangerous Place Here's Why. *Theconversation*, May 10. Available at:



- <https://theconversation.com/japans-doubling-of-its-defence-budget-will-make-the-world-a-more-dangerous-place-heres-why-182625>.
- Mason, R. (2021). *Japan: Pressure from Populist Right to Scrap 'Peace Constitution' After 75 Years*, *The Conversation*, No. 8. Available at: <https://theconversation.com/japan-pressure-from-populist-right-to-scrap-peace-constitution-after-75-years-171333>.
- National Security Strategy Japan (2013). National Security Strategy. *CSIS*, December 17. Available at: <https://www.cas.go.jp/jp/siryoku/131217anzenhoshou/nss-e.pdf>.
- Nikkei Asia. (2022). North Korea Slams Japan's Military Buildup, Vows Counteraction: Pyongyang Calls Tokyo's Security Strategy Change 'New Aggression Policy', December 20, Available at: <https://asia.nikkei.com/Spotlight/N-Korea-at-crossroads/North-Korea-slams-Japan-s-military-buildup-vows-counteraction>
- Prime Minister Office of Japan. (2022). *Keynote Address by Prime Minister KISHIDA Fumio at the IISS Shangri-La Dialogue*, June 10, 2022, Available at: [https://japan.kantei.go.jp/101\\_kishida/statement/202206/\\_00002.html](https://japan.kantei.go.jp/101_kishida/statement/202206/_00002.html).
- Prime Minister Office of Japan. (2023a). *Press Conference by Prime Minister Kishida Regarding His Visits to France, Italy, the United Kingdom, Canada, and the United States of America*, January 14, 2023, Available at: [https://japan.kantei.go.jp/101\\_kishida/statement/202301/\\_00010.html](https://japan.kantei.go.jp/101_kishida/statement/202301/_00010.html).
- Prime Minister Office of Japan. (2023b). Policy Speech by Prime Minister KISHIDA Fumio at the Johns Hopkins University School of Advanced International Studies (SAIS). January 13, 2023, Available at: [https://japan.kantei.go.jp/101\\_kishida/statement/202301/\\_00005.html](https://japan.kantei.go.jp/101_kishida/statement/202301/_00005.html).
- Revista Del Instituto Español de Estudios Estratégicos. (2019). *Security Policies in the Maghreb from the Perspective of Offensive Realism*, (13), 47-78.
- Rubinstein, G. (2023). *Japan's New Defense Buildup Plan and Its Defense Industrial Base*. *Center for Strategic and International Studies*. Available at: <https://www.csis.org/analysis/japans-new-defense-buildup-plan-and-its-defense-industrial-base>.
- Sipri (2022a), Trends In World Military Expenditure: 2021, 25 April. Available at: [https://www.sipri.org/sites/default/files/2022-04/fs\\_2204\\_milex\\_2021\\_0.pdf](https://www.sipri.org/sites/default/files/2022-04/fs_2204_milex_2021_0.pdf).
- Sipri (2022b). *World Military Expenditure Passes \$2 Trillion for First Time*, 25 April. Available at: <https://www.sipri.org/media/press-release/2022/world-military-expenditure-passes-2-trillion-first-time>.
- Sugita, Y. (2016). The Yoshida Doctrine as a Myth. *The Japanese Journal of American Studies*, (27), 123-143.
- Snyder, G. H. (2002). Mearsheimer's World Offensive Realism and the Struggle for Security. *International Security*, 27 (1), 149-173.
- Smith, S. A. (2019). *Japan Rearmed: The Politics of Military Power*. Harvard University Press.
- Smith, Sheila A. (2022). *How Japan Is Doubling Down on Its Military Power*. *Council on Foreign Relations*, December 20. Available at: <https://www.cfr.org/article/how-japan-doubling-down-its-military-power>.
- Schweller, R. L. (2016). The Balance of Power in World Politics. *Politics*, 1-22, 9 May. Available at: [file:///C:/Users/x22/Downloads/The\\_Balance\\_of\\_Power\\_in\\_World\\_Politics11.pdf](file:///C:/Users/x22/Downloads/The_Balance_of_Power_in_World_Politics11.pdf).
- Taheri, A. (2009). *Research Methodology in Political Science*. Tehran: Qomes Press. [in



persian].

The World Factbook. (2022). *Japan*. December 14. Available at: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/japan/>.

The World Factbook. (2022). *North Korea*. December 21. Available at: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/korea-north>.

The Constitution of Japan. (2004). *National Diet Library*. Available at: <https://www.ndl.go.jp/constitution/e/etc/c01.html>.

Tamaki, N. (2020). Japan's Quest for a Rules-Based International Order: The Japan-US Alliance and the Decline of US Liberal Hegemony. *Contemporary Politics*, 26(4), 384-401.

Wright, Col. J. (2022). Japan's Self-Imposed One Percent: Does It Really Matter?. *Journal of Indo-Pacific Affairs*. Air University Press.

Watanabe, T. (2022). Japan's Security Policy Evolution: The Interaction between Think Tank Proposals and Government Implementation. *Asia Policy*, 17 (3).107-24.

